

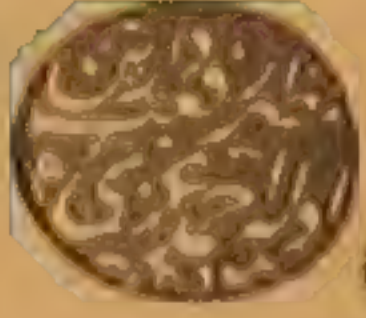
WOPRÜL

719

4. Asm



T. C.
Mâli Eđitim Bakanlıđı
Köprölü Kütüphanesi
Bařmemurluđu



Sayı : _____

V19

III K

على مقداره فهدى الجاهل للموهاب الآتية على الإطلاق العايم
مقام الرأي بالاشفاق الكاشف ظلمات الظلم والعناء وبندبر
العلماء البلاء ودين الفضائل والمجاهدين الفضول والفوائد السلطان
الناس من آل عثمان فاتح سرخ سر سلطان سليم خان المومنين
صاحب القرآن مشيد الاركان الحافظ لاولياء الدينان القاسم

مع عبد الله بن أبي المنافق وبقي مع رسول الله سبحانه وجل
خالد بن ولید فی اليوم علی فانی فارس من قریش و امر رسول
علیه السلام بن رجلاً من الرماة أن تجلسوا من المکرز نحو جبل
فلما فعلوا انهم لم يشكروا وانطفئ المسلمون عن كفتهم فلما
رأى خالد بن رجلاً من الرماة فسكر بالخیل وتبعه عكرمة بن جحبل
عبد الله بن جبر حتى قتل وصاح شيطان أن محمد
قد قتل وتفرق المسلمون وصعدوا إلى الخيل وثبت مع
رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم أيدار ثوبه عشر حلقته
من المهاجرين وبعثه من الأنصار فكان ثلث اصحابه
قنبلاً وثلاثة بجاء وثلاثة منهزماً وقتل حمزة ثم رسول الله
عليه السلام وحش بن زبابة كان هو كافراً ثم
استلوه ثم قتل سيده الكذاب **غرة خندق** كانت في شوال
لخمسين من الكهجرة وكان جميع القوم الذين اتوا الخندق من قبائل
عشرة آلاف وكان المسلمون يومئذ ثلثة آلاف فاشركوا القيسية
بالخندق فاعجب ذلك المسلمين قال النبي صلى الله عليه وسلم

انما هذا الكتاب من فضل الله تعالى
 الذي لا اله الا هو العليم
 الحكيم

در مذبح منکر ان و انت سماع
 در مذبح عارفان طاعت سماع
 در مذبح غافلان طاعت سماع
 در مذبح جاهلان طاعت سماع

فوق صورتی در قدس

شیخ محمد الدین الوالی خرمزیک خندکاش از خرمزیک و در کوی
 اهل من جعل عباده من الغد والمخلصین و ورثة الانبیاء و المرسلین
 و الصلوة علی محمد المبعوث باصلاح الضالین و المضلین و الصالحین
 المتجدین باجور الشریع المبین **تا بعد** ایها النسل علما
 ان الشیخ الاعظم و المقدی الکرم قطب العارفین و امام
 الموحدین شیخ الشیوخ محمد بن العربی الطائی الحائمی لایه
 شیخ کامل مجتهد و مرشد فاضل له مناقب عجمیه
 و خوارق عاده و تلامذة کثیره مقبولة عند الفضلاء
 العلما و من اکثر فقد اخطا و من اصر فی انکاره فقد ضل سبیل
 علی السلطان و سب و عن هذا الاعتقاد تحویر ما ان السلطان
 مأمور بالامر المعروف و النهی عن المنکر و له متصفاته
 کثیره منها فصوص الحکم و فتوحات المکیه و بعض ما یدرک
 اللفظ و المعنی و موافق للشرع النبوی و بعضها خفی عن
 اهل الظاهر دون اهل الکشف و الباطن من لم یطلع علی المعنی
 یجب علیه السکوت فی هذا المقام لقوله تعالی و لا تقف بالبین
 کما یعلم ان السمع و البصر و الفؤاد کل واحد لیکان عنده
 و الله الهادی الی سبیل الصواب الی المصالح المآب
 المتحرر فی هذه الصحیفه مفر علی من التبعه
 الشریفه حرره العبد المذنب بن
 عن عظم الملک المنفرد

حضرت شمس

در مذبح منکر ان و انت سماع
 در مذبح عارفان طاعت سماع
 در مذبح غافلان طاعت سماع
 در مذبح جاهلان طاعت سماع

در مذبح منکر ان و انت سماع
 در مذبح عارفان طاعت سماع
 در مذبح غافلان طاعت سماع
 در مذبح جاهلان طاعت سماع

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

Handwritten Persian text, likely a continuation of the letter or a separate note, written in a cursive style.

Handwritten Persian text from a manuscript, likely a historical record or legal document. The script is cursive and dense, typical of early modern Persian manuscripts.

۹۰
 اگر با کسی که زیاده دغای
 کلایه او فزون آید و در
 بسیم از او فزون آید
 که شوق زیاده از او فزون
 صاحب غلبه غلبه غلبه
 حال است از او فزون

۹۱م
 شرط آنکه کسی غافل از امر
 نبیند و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید

مندرج شد باغ امروز
 ز راه مهره جوید سر زخم
 با که طوطی گریه کند حال از دل
 ز لعل و لکشم میگویند غنچه سیر
 بد ز بخت کند ایات غنچه زلف
 بشکوفه نماید جسم ز خنده و گر
 ز ماه باز آید آفت روی گیتی
 بست بر غبار روی از رخ غیر
 نشان دولت باد بجای در سینه
 بد ز کشته سکه از غلامه بر
 زلف آب شود تر خنجر سوسن
 بخت گشته است قدر نادمه
 بیا سمن و سیاهان طلسم
 که در حال و بد که در شمس چرخ
 بر کاشن ملک فریب مردم

و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید

و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید

و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید

و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید

و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید

و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید

و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید
 و از غفلت بیرون نیاید

فصاید مولانا سید چون سوان شب و روز مبرین گل غلامی ارمیه لیا

ز می گفت بر سر از کعب
 فروزان چو بر آسمان کشم
 حرم ترا حوریان بر جوش
 جناب زانده پیمان بر جوش
 بر زم و صحنه خورشید و بان
 چو در خانه ز نسوان کوکب
 رخ ساقیان نور بر زمینان
 جوار زدن روضه رویان
 بنده سنانست مانند کربان
 بود آسمانی که از وی بر آید
 ز نور خنده است از چشم عیان
 دید جودیت هر کس شبی
 بر ج مآرب نجوم مطالب
 خردند رخ از شمسای معادن
 چو صبا بخوار حنک و آهنگ
 بر آن عدوکی کند خانه روشن
 سخت گشت بد جودیت نواب
 بود ای بنا بر تو صبح کاتب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی
کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی
کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی
کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی

در آستانه این راه پیری رسیدم
که بخش جان بود و دود بر حجاب
به و گفتم اندیشه کن که یا بزم
خلاص از حوادث بخت نوا
فلک را به زان دان که گشت
بنا به جسم مدد غایب
بها خداست که هرگز نخورده
کل شکستش زخم شوک شویب
یو النجم قدیم اندیشه بخت
ولیکن از اندوه او من بخت

دلف و پیش بر لب حجاب
چو چرخ و من سبب بدو
چنان جوهر گشته بدو گشتن
دهد صور را شبان در حجاب
خداوند کار با بخت حجاب
که هستی من از گشت حجاب
بخت نشسته در غار بودی
زین غار پرده دارش غایب
خبرش که در بند بودی
بختش دغل کند در شام غایب
بخت که پرده از پرده بر
ایمان انشی عشته غایب
که بخت زین خبر نگیرد باشد
امیدی اسیر بلا و مصایب
بخت حاجت چه حاجت داند
ضمیر نوا فی التفسیر المطالب
بخت چو ماه نوم از تو حاجت
بخت فرزند کون از بخت
بخت دلال طالع تو بخت
دلیل تو اقباب بخت

بخت از نای
بخت از نای
بخت از نای
بخت از نای

کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی
کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی
کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی
کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی

بخت از نای و بخت و گشتی
مثل شد بدی تو بین الامثل
بختی شورام و گشتی
بنان شکر خند و شیرین بخت
بالصاف آداب گشتی مودت
ز دانش مقدم شدی در محافل
بگفت بخت ایمان بخت
در اقامت بخت نوشنی بخت
به قانون مشایبان در مصلحت
اقامت نمودی صنوف دلائل
ز فرط توجه بسوی مباد
چو اشراقان که در مباد
ز دی گشتی به مصلحت
نهادند نام تو صد الامثل
چه حاصل چو از صوب تحقیق
بزدیک دانا بچنین حاصل
دارد خبر که گوناخت
ز ماهیت مستند و ادب
ز ماهیت مستند و ادب
خشم کنی ز من در جسم
دل صرف منت کنی در دما
ضمیر نوا بر بخت و در
چو کرد در فتنه حاصل
مقتل به ز فتنه بخت
تو بر صحت فعل نفی مقتل
که گشتی از آن جوهر فردا بخت
ز بخت جوهر خواجه بخت
در اقامت غرض از بخت

بخت از نای
بخت از نای
بخت از نای
بخت از نای

بخت از نای
بخت از نای
بخت از نای
بخت از نای

کفری که در این عالم است
کفری که در این عالم است
کفری که در این عالم است
کفری که در این عالم است

نشد اهل هر صفی نیست	بخت تو به کار خن نیست
که بر دوزخ بگردان و در بار	مهر بنام که در دم دلت
که منت پرده غریب است	بزم عشق تو از بوستان طرب
که غارت خرم آن کرده ایشان	مخدرات سخن دیر و برون اند
هر که بخت سخن کردم ز غار	به چاروی میخ تو با سخن جان
بشیر سوزده چون زرد عیار	و باغ در سبزه بزم مرگ
ز فرط بل بود کار و بار او	سود چون بر دین دوی سخن
بهر اسال نشد بختی غار	جعل نشود بوی خود و غبار
که گشت کلبه خاشاک مطلع	فروغ در چشمش کجاف کبر
فلک جناب از دست زده جان	جهان بنا با از جور و زلف نام
چنان رسیدم ز خان و خان	چنین بدیدم ز باغ و باغ
به بنده لطف کنی شهر بازی	که گریز از دستم درین مجلس
که زنده باشم و بشم از بهمان	نخوایم از خطر خان خوش و نام
که توبیبت میجادی و من بیمار	علی در دم تو کس نیست
روم را که اسیر کفر و چون	مژخون بگرد و ز کار گشت

خون من در این عالم است
خون من در این عالم است
خون من در این عالم است
خون من در این عالم است

خون من در این عالم است
خون من در این عالم است
خون من در این عالم است
خون من در این عالم است

صحن تبارش بر کشتن خوی	کاذب و با وسوسه افکار درین
ز چشم خن برین که بای نیست	جای آب از رکعت بخت سوزان
بند کاخی به جای کوه کسب نام	برودم از غری درین خوشن
به نام بندگی جانش فلک میکند	نام شکل آنون روز نکین
ماکان رفاه زدم کجا حوض	کان لال خرمخیز و زده میکین
آن در جانتا عینا ترمی بسیل	اتحاد اجاج بد ما معین
خاشاک چون صفی خاویان سپهر	منکرش خود دینا اهل نظر دم
بر کنه جویش کلان بود اندر خلد	جام مالال برکت ساقیان برین
مرکز او گشتن جام شد و میداند	نقل می خشت از آب آینه بکین
عقل با خرج بریش کرد و نیست	کین شرف در دین زلف است
آن مجتبی بسیار در فون و فون	دین با پخت کفر کرد و یادین
و نهال آن بود قطب شالی مست	در عین این مجاور کشته اصحابین
کن کوکب خالی اینجا منزل خسته	کوکب سعد تر شود جسم او
آسمان و فتنه نوامان کبر و	کامران فتح و نفرت قهران
خشم مسعود است با و عدل بر افروان	کوکب سعادت او را سر غلام

خون من در این عالم است
خون من در این عالم است
خون من در این عالم است
خون من در این عالم است

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

[illegible]

این خواجه را هم بدو حق است
قانون از حق و سلسله از کونین
این خواجه را هم بدو حق است
قانون از حق و سلسله از کونین
این خواجه را هم بدو حق است
قانون از حق و سلسله از کونین

سوزنا که ششین نور بدو میزند
چو آن من از میلستان

4

دوستان که در دیوانه این عالم
دوستان که در دیوانه این عالم

کسرو و باد طلت بر سر رخ عالم
 خوانا امید بر شرق و غرب عالم چندان کسرو ظل **رخداد است**
 قضا در با کاه پیوسته
 کشیده طرح این می باشد
 فلک بر ز نقش وی بود
 چو نقش روی آتش بیابان
 در آتش رخ ز نقش مخالف
 پشیمانی زین زرد است
 سرگشت است که در پستی
 بنات کائنات از قند زهیه
 قضا می است چون در دست است
 که آمد بر دهنم سعاد

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بغیر کان و بجز دست خود
 اگر جوت کند مالک رفا
 مستور آغاز آن اقبال باشد
 ز آن سرخچ پانصد نفس اند
 بنیاد است خیر بقدرت
 اگر زرباک و کر ناپاک باشد
 گر اکیر قبولت نیست نبود
 طمع دارم که در بزم تویی من
 چو افتد نظم من اندر میان
 سخن در وصف تو بجز غنچه است
 اگر خیب باشد خود سرخی
 سو از نظم هر که گویند
 کند اندر دیرستان علو
 که از تو بر نیاید آرزویم
 نهادم بر کران فضل و هنر

فردا

فردا هیچ باشی و در موی
 در صد هزار غم و نجوا
 مردان بسی و رنج بجای
 نرک هو است کشتی دریا
 در کم زخمتی بجای
 کربنی من مال کی کس
 فرمان برخدا و پیمان
 عمری را می رود به مال
 مرگ اینک از دایه
 فزاید نشسته غم
 باری کورت بگو غم
 که بخت و قهقهه
 فرق غم و پهلوی
 تسلیم شو که اهل غم
 پیش از من و تو
 کز غم کوی غم
 مرثوی کرده را بنویز
 تو بی تنگداری
 عارف بذات خود
 که بهتری مال
 کون خست شمار
 این هر دو قرن
 مادر ز غم
 بکن ترا چه غم
 باری تنگداری
 از سر غم
 برین صورت
 مسکین خست
 بر دنج غم
 طواری نیک

در بارگاه عالم سعادت
خواهی زیاده
که خیال رسم بدین
مکتب
بنام فرزند دار
سرف موصی
شرم اید از غایت
دشمنی که فرزند

یک کت آری عالم و حکمت قزاقی فاجیم کم معور و جهانی وقف ارباب
 است زانق بدوب نولین بکودت غار و حکام رحمت غار
 تنوین ندچه و خفا و شکنان عرغه آنکه ندانای ارباب استر و اولوب
 مرفوزه مقدار خجسته غنیدن و طبعه ستر بند کجه و مملی افام
 دیوان خلایق قلم مشک بارری متاع کوز ارباب ارزاق سنین
 اوله و اول نقل اعلام استکام بنیان سلطنت فم غیر تباری حدی
 احراق ارباب نظر بصارت بوله شرح شیده ثا و رفع شمه و عا و سکرو
 عرض بدر خاک ریحید بند کترین فضولی زار
 که غنیمت غم غلت اکین ساکن کوشه قنعت اکین
 باشم دوشدی عا به سودی ذوق اهل طبع تناس
 هوکسب تک و نام آدم طلب رفت و مقام اندم
 اسندم کم علوی قدر بولم منظر لطف پادشاه اولم
 بدم کم شکسته خال اولوم حد اهلینه با مال اولوم

کت آری عالم و حکمت قزاقی فاجیم کم معور و جهانی وقف ارباب
 است زانق بدوب نولین بکودت غار و حکام رحمت غار
 تنوین ندچه و خفا و شکنان عرغه آنکه ندانای ارباب استر و اولوب
 مرفوزه مقدار خجسته غنیدن و طبعه ستر بند کجه و مملی افام
 دیوان خلایق قلم مشک بارری متاع کوز ارباب ارزاق سنین
 اوله و اول نقل اعلام استکام بنیان سلطنت فم غیر تباری حدی
 احراق ارباب نظر بصارت بوله شرح شیده ثا و رفع شمه و عا و سکرو
 عرض بدر خاک ریحید بند کترین فضولی زار
 که غنیمت غم غلت اکین ساکن کوشه قنعت اکین
 باشم دوشدی عا به سودی ذوق اهل طبع تناس
 هوکسب تک و نام آدم طلب رفت و مقام اندم
 اسندم کم علوی قدر بولم منظر لطف پادشاه اولم
 بدم کم شکسته خال اولوم حد اهلینه با مال اولوم

کت آری عالم و حکمت قزاقی فاجیم کم معور و جهانی وقف ارباب
 است زانق بدوب نولین بکودت غار و حکام رحمت غار
 تنوین ندچه و خفا و شکنان عرغه آنکه ندانای ارباب استر و اولوب
 مرفوزه مقدار خجسته غنیدن و طبعه ستر بند کجه و مملی افام
 دیوان خلایق قلم مشک بارری متاع کوز ارباب ارزاق سنین
 اوله و اول نقل اعلام استکام بنیان سلطنت فم غیر تباری حدی
 احراق ارباب نظر بصارت بوله شرح شیده ثا و رفع شمه و عا و سکرو
 عرض بدر خاک ریحید بند کترین فضولی زار
 که غنیمت غم غلت اکین ساکن کوشه قنعت اکین
 باشم دوشدی عا به سودی ذوق اهل طبع تناس
 هوکسب تک و نام آدم طلب رفت و مقام اندم
 اسندم کم علوی قدر بولم منظر لطف پادشاه اولم
 بدم کم شکسته خال اولوم حد اهلینه با مال اولوم

نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست

نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست

نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست

نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست

نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست

نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست

نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست
 نقص عبادت از جهت عبادت نیست

مشت کمال او چو جام
جام جهان فغان را بخت خدایم
دست بخت و خیر و بد
کند و بخت را بخت خدایم

فلسف آری کبریا روح کجا با ایدر

کویند بخت و من که از او کبریا
منزل کرم و بخت را بخت خدایم
خوش و غم را بخت را بخت خدایم
کرم و غم را بخت را بخت خدایم

کویند صغری خطی که یک آری فی الشی

مست و غم را بخت را بخت خدایم
کرم و غم را بخت را بخت خدایم
خوش و غم را بخت را بخت خدایم
کرم و غم را بخت را بخت خدایم

بخت کمال او چو جام
جام جهان فغان را بخت خدایم
دست بخت و خیر و بد
کند و بخت را بخت خدایم

کویند بخت و من که از او کبریا
منزل کرم و بخت را بخت خدایم
خوش و غم را بخت را بخت خدایم
کرم و غم را بخت را بخت خدایم

مست و غم را بخت را بخت خدایم
کرم و غم را بخت را بخت خدایم
خوش و غم را بخت را بخت خدایم
کرم و غم را بخت را بخت خدایم

کتابخانه امامان
عبدالله و محمد
و آل

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً
والعلماء أئمةً مهتدين

[illegible]

39

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

کرمه
امام کرام و علمای اهل بیت
علیه السلام
و علی کردن اعلا وجودی است
و علی کردن اولی خودی است
و علی کردن قدم بر پایه اولی است
و علی کردن زودا اولی است

که من خلی غلبه که اندی نغول
سلام است از این مستند زول
ادوات هر یک کا به شود ادوار
و آن عالی بکشت افندی
دوبلست در فضایل خدا
فغانی نبوده - فیضای بر پاهم
باز در خوشی بدین شهر

کلیه فتنه ها را در کف دست راست
 قلمی بر سر آن بکش و بگو
 ای خداوند منم که در این دنیا
 کارهای من را بر من فرما
 و از شر دشمنان من محفوظ بدار
 و از غلبه دشمنان من ایمن بدار

ای بجز خود و محمد و کرم
 شفیع الامم سر و باغ هم
 زمان قیامت و بحساب
 اوله و بریده و منب و انک
 سن و کون حق و حق انوشی
 شفیع ایندی مخلوقه مطلق
 آنی قلم عشاق انجند و خون
 شفاعت ایدوب ایلد کوکلین
 بوزی صوبه جاربازک شها
 آنی بر کجا اید و زح
 شهادت بایان پادشاه کریم
 سلطان عثمانیان
 حاکم سنان و جهان جوان
 مجاهد ترک مسند عادی
 امیر افغان قاتل المش کین
 سر بر خراسان و دیار
 شهباز و بر سینه و کمال
 ابوبکر صدیق و بکر بهمان
 اولور رای خیر بر عین
 ایشی معدلت عادی رحمت
 اولور ال عثمانیه عثمان صفت
 انک قدری عالی مثال
 ولید و لی عالمک کاس
 دیار سرور و جنت خوب
 اولور سرور و جنت خوب

کلیه فتنه ها را در کف دست راست
 قلمی بر سر آن بکش و بگو
 ای خداوند منم که در این دنیا
 کارهای من را بر من فرما
 و از شر دشمنان من محفوظ بدار
 و از غلبه دشمنان من ایمن بدار

ای خداوند منم که در این دنیا
 کارهای من را بر من فرما
 و از شر دشمنان من محفوظ بدار
 و از غلبه دشمنان من ایمن بدار

ای خداوند منم که در این دنیا
 کارهای من را بر من فرما
 و از شر دشمنان من محفوظ بدار
 و از غلبه دشمنان من ایمن بدار

انک سنی

ای خداوند منم که در این دنیا
 کارهای من را بر من فرما
 و از شر دشمنان من محفوظ بدار
 و از غلبه دشمنان من ایمن بدار

انک سنی در صانکه روحا
 انفرن ابر و ب قدر قلمش
 سریندن اوله غنایه روت
 صدای دعادن کورلد جهان
 مک داعی دولت و عزتی
 فلک ساعی رفعت و نصرتی
 بور بولد برق و در اول نوحی
 بولوت کیمی شجاصی ایدر کیشی
 اولور بسم سماره گوات
 غمش جیدر خشم ثبات
 زمانده آسود و خلقی
 فضای جهان اولدی دالان
 رعیت رعایتده آلازمین
 احسانو بکنده دشمن حین
 زهی پادشاه سعادت بر
 کرم ایدر هجومه
 او دولت که بکا و بر خدای
 نصیب و مدی سیه باغا
 کنش کیمی اول عالمک فتنی
 نیه کم اویاته ایشی بوزی
 بدی بدی خاقان غلب
 شهنشاه سلطان غلب
 قیوسی قوی حاجی و غایر
 بد نصرتک مرد شهباز
 قیوسی کن کیمی ایدر
 طوتدی غلبان کین
 قنا بولدی سزنده اعلی
 مغنیلر که ایدر قلمش
 کما نچه یابین باصدی قادی
 قو حله فلک کیمی
 صر حینک انوشیه اوشدی
 نر با سیر جالی غایت خراب
 ط غندی فساد و ملک در کین
 مدح املک اولدی نوکین

ای خداوند منم که در این دنیا
 کارهای من را بر من فرما
 و از شر دشمنان من محفوظ بدار
 و از غلبه دشمنان من ایمن بدار

ای خداوند منم که در این دنیا
 کارهای من را بر من فرما
 و از شر دشمنان من محفوظ بدار
 و از غلبه دشمنان من ایمن بدار

ای خداوند منم که در این دنیا
 کارهای من را بر من فرما
 و از شر دشمنان من محفوظ بدار
 و از غلبه دشمنان من ایمن بدار

[illegible][illegible]

۷۱

کبریا ملک عین ابرقصر
 ایدر جان انسانی برکون نگار
 آنچه فقیر که غیری فقر ایدر
 جهان کن کید را دم آدمی آید
 دوشنبه بویوک قبل ایدر
 اولور لغت ایلد آدمی اکلور
 خدا بولدور آلی تعذیب ایلد
 زبون اولانک در دنیای
 الی اوسنون اولم کشیک ام
 بنای حیاتی سنی قلمی مبار
 سونم اکا ایلد اعتبار
 اجل کلمدین ددوله جابر قل
 سن الوار و محتاج اولان
 یاوز اولمه سندن چارمل
 مدار ایلد ختمی اصلاح ایدر
 شک فلز اکی جهانده برک
 کلستان چنجه دینه کم نشیم

بی بی کو از کجی برسان
صلواتی که او من فی الشرف
بویایم بهور ایام
بولونگی یزدان کن

دود بی غایتی بادی فغان
 هو قشرد اعدا و کمان دغا
 هدای بلند ایله ابرو غنا
 همان فالدر ابرو غنا
 دود بی غایتی بادی فغان
 هو قشرد اعدا و کمان دغا
 هدای بلند ایله ابرو غنا
 همان فالدر ابرو غنا

[illegible][illegible][illegible]

و لا غنى عن العلم و لا غنى عن العمل
و لا غنى عن البر و لا غنى عن الصبر
و لا غنى عن الفقر و لا غنى عن الغنى
و لا غنى عن العبد و لا غنى عن السيد

فان بیدار بودی از خواب
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی

اولوسک اولوسکی یک اولوسک
 و یک اولوسکی یک اولوسک

چشم کلور و روم و خوش
 فرید زمان و وفون جهان
 بولشور و ار و روم و اول
 مز سب و و شرف و کما
 بویزه و حسن و بی با بار
 اون و بوی بوی و بوی
 و لسه و رای و او و ز و د
 دیدی قیصر و خطه اول و جیم
 کنگ و کور و کور و کور
 او و جانی و از و کور و کور
 او و کور و کور و کور
 دیدی قیصر و ای و شایه
 کبر و او و سون و سون
 ندر و ای و سون و سون
 ای و سون و سون و سون

و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی

و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی

و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی

و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی

و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی
 و از خواب بیدار بودی

[illegible]

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
لنا حكمة وعلما وهدى
وأنزل في القرآن
الذي هو الكتاب المبين
الذي هو الكتاب المبين
الذي هو الكتاب المبين

بازمانده از

اولور فوج و دزدان انگلستان
ایا ایل در دوحسین دین و دل
نذر اکل کی کتب اهل
کتابک
بقر فالور ایچور ایدر خان
مر اینه دوتک دکانه
هان کنه دلی جرم اولور
فغان لور ایدر اولک بدلقا
اولور قیسه آسمان بصد

سجده معلوم اور منده
روسم اهل نادانی چالریز
فقیر اومی اوم ایل اور
برخی داخی قالد رز ناگهان
انی برکون داخی ملت ایدر
کیمه عین رفعت ایدر نظم
نه حاجت بودیا چون غم
فچن خادیه راست کله اگر
قور عزت و دولتن استوار
اولور بر خیم سر سوزم بریناب
سوز اهل کله درانی کنه دان

کوز بوسنهانی کر بر حریف
ایکی قوتو غنیمی فو در بور
طرعک برسی اکا سولیدی
دید ی در دندک کورکی نوزی
دوشور رسن اول فو پوزی کمان
وجودی مشکلی هاسی نظیف
خود و سرور یله جان سور
دلت کاشت نیشان ابدی
صاقن قوتو غلده اولان قور
حدز قیل تصور دن اولدی زیا

اولور فوج و دزدان انگلستان
ایا ایل در دوحسین دین و دل
نذر اکل کی کتب اهل
کتابک
بقر فالور ایچور ایدر خان
مر اینه دوتک دکانه
هان کنه دلی جرم اولور
فغان لور ایدر اولک بدلقا
اولور قیسه آسمان بصد

اولور فوج و دزدان انگلستان
ایا ایل در دوحسین دین و دل
نذر اکل کی کتب اهل
کتابک
بقر فالور ایچور ایدر خان
مر اینه دوتک دکانه
هان کنه دلی جرم اولور
فغان لور ایدر اولک بدلقا
اولور قیسه آسمان بصد

اولور فی مسه غللی بار کزن
کور خالم اولان غدا بایم
جفا سی ملک نفسی اضلالی
صاقن همانم ظلم اهل رخت اولور
سکاجیلر برکون ایلر هجوم
آیه فایده کند و سنه زین
اکار لغت ابد کلام قدیم
بوک حاکمی کیشی است حالی
جواسینی دنیا ده اولور
بلا یا غدر رباشنه کار نوم
نه خالم لغ ایل بود روی چک

بدون نقادان صافتمی کرک
اولور جمنی خالم که انجمن سر
نه جنگ و نه جنگ و چنه سو
بوناقبل و جاسل و چنه
کوبکر ایشکن طور باقور
انی یلر انا که اولی جاب
کرک افتاب و کرک بد نام
کفن صومغ اولور ایلک عاقی
اولور اکر رنجیده خاطر مدام
اونی جسر لک سر ایلک

کله بور سه شدرینه برکینی
اولوسی در بسی بو شهرک نام
کورد بر قاج اهل بصیرت چون
کفن صومغ اولور ایلک عاقی
اولور اکر رنجیده خاطر مدام
اونی جسر لک سر ایلک

اولور فوج و دزدان انگلستان
ایا ایل در دوحسین دین و دل
نذر اکل کی کتب اهل
کتابک
بقر فالور ایچور ایدر خان
مر اینه دوتک دکانه
هان کنه دلی جرم اولور
فغان لور ایدر اولک بدلقا
اولور قیسه آسمان بصد

اگر کسی را بداند که در این دنیا چه کار کند و در آخرت چه کار کند و در این دنیا چه کار کند و در آخرت چه کار کند

در مبدی که در این دنیا و آخرت
 ابدی قاضی بود و خاصه در
 صدای بلند و بلند و بلند
 نزاع و نزاع و نزاع و نزاع
 فاسد و فاسد و فاسد و فاسد
 سر که لبی و فاسد و فاسد
 بزعم و فاسد و فاسد و فاسد
 کلور کند و فاسد و فاسد و فاسد

ز ما بنیاد موسی علیه السلام
 نور کن بر من بر من و من
 کلیم و سولت و من و من
 که بنده بود و کلیم و من
 فقری و کردن و من و من
 مذام و قلدی موسی و من
 شکایت بدن و من و من
 او غیر و من و من و من

و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت

و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت

سوزین و کلیم و من و من
 اکر الی و من و من و من
 بوالک و من و من و من
 و از من و من و من و من
 دو و من و من و من و من
 ولی و من و من و من و من
 سوال و من و من و من و من
 دیدی و من و من و من و من
 بشت و من و من و من و من
 نور و من و من و من و من

و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت

و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت
 و در این دنیا و آخرت

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

بدره دلی بود از این اعتبار
فراانی و نیاید حتی او از این اعتبار
دوینایم که علم علوی و نیاید حتی او از این اعتبار
بدره دلی بود از این اعتبار

[illegible]

[illegible]

مجلس

الکتاب فی بیان معنی و تفسیر
الحکمیه فی بیان معنی و تفسیر

اولو قدر می ایا وانه در بان

دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط
دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط

ز می صورت و خود سیل با
قوی حق و پوسندگی خانه
شوکیم بند که ایش افتد
نه لازم نزاع نه حاجت حل

کتاب اصول الیه اعمیل
مخبر کور بر سپاهی خرد
ذیل ایش فقر و فاقه یوکی
ببینی دوندش ایش لاس
جسی بر سوخته راه دوسرمان
بوزار من شل غامه سوز آزار
جلالی بوزین ایش فاش
کلور غریب بری قاپوسنه
غصای انده کوزی سورتلی
مصل پسینده دوزخار
یشل جی وار کاهینده
بونوخت سپاهی ایدر دعا
ارغریب س که کوندر دیر

ای که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط
دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط

دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط
دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط

دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط
دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط

نشد برین خیره مردم فقیر
دیش کو کیشی و لقصه
بورری سولیه امی مرالی بلان
بنج سرومی بلمدین سولیمه
یلانی بوز عارفان جهان

بورغز وجوده من باغبان
بونک کیسی کذآیه نه اعتبار
بود ویش برجهیل حکرم
عوب قیمی بر مرد سکا نه لیر
طوب ناجنه دکو قور قورین
باشند نگر کیسی غدا کلاه
اولوب صحبتی خلقه دامم
سیردوشدی مانندین جهان
وطن از روسی بدجه هجوم
اوینکامه کیر اولن ایلان
سویوش وودون کیمیل حاکم
قرطیلان بی نسی منال

دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط
دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط

دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط
دولت که در این زمانه
ولی غفلت و استیلا
بماند که حق بسط

[illegible]

مختار

کام اولدی بک
سیاهی الین بک
عنان اولدی بک
فانوردی بک

کما اولدی بک
سیاهی الین بک
عیان اولدی بک
فانوردی بک

فکر کنی که اولی جان من است
 و نه جان منی که جان من است
 و نه جان منی که جان من است
 و نه جان منی که جان من است

حجاب اولو را بدی بیا بیا
 اولو را دم نظم کنی بیا
 جو کور دم ضرر دور کردی
 خواه صفتین ایله شهاب
 بکا طوطی اولدی از طهر
 غارت حرامی سینه کلدی
 مکر با حق و قف جمیل
 بیک بشلو کب سری اولدی
 خان یار غن ضایکه باد صبا
 کج روی بود روشن پشاره
 حضورم سجان او چو روی بزم
 بو طوطی صفا شمع منیر
 بار شمع روشن کی سحر کرد
 نقش اولان کیمیه کردی
 حضور دم کا و لوری رور
 بکه کار ایدر کی بود رشید
 صناس که خطاط النذر صبح

اولو را دم نظم کنی بیا
 جو کور دم ضرر دور کردی
 خواه صفتین ایله شهاب
 بکا طوطی اولدی از طهر
 غارت حرامی سینه کلدی
 مکر با حق و قف جمیل
 بیک بشلو کب سری اولدی
 خان یار غن ضایکه باد صبا
 کج روی بود روشن پشاره
 حضورم سجان او چو روی بزم
 بو طوطی صفا شمع منیر
 بار شمع روشن کی سحر کرد
 نقش اولان کیمیه کردی
 حضور دم کا و لوری رور
 بکه کار ایدر کی بود رشید
 صناس که خطاط النذر صبح

فکر کنی که اولی جان من است
 و نه جان منی که جان من است
 و نه جان منی که جان من است
 و نه جان منی که جان من است

آر طوطی شیری بولور
 کیمینی اوق ایلر لیب درک
 کور زنیتم شع بزم کبار
 اولو طوطی و سی کایانک
 قج طوطی کور شتر حرمیه
 بولور اگر بکشت که دوده
 الف کیمی نمر کم اولو کشتیم
 اولو رقل اولان لری درد
 تور اگری بی طوطی و یه لیلر
 تنی سن آتور نظر ایدرک
 عداوت ایدر طوطی و یه رور
 بو عبرت ملالین قلو رطرف
 قلندانی رندان اولو غایه
 ره احو جابیده بالایه راه
 بلا و فتنه اولو کشتیم
 بو پند خردمند ایدر سودمند
 ایشیت بوانین یه نولاشی
 خرسانه بر خر مرکب بیا
 صلاح املک سیرینه اولید
 سیری یاننده انک ناخا
 اجل الله امیش با مال
 بکشتکینه اولمش زبون
 یاتوقیند غرق و لولوب صبی
 سن اولد دکن دیوبل کناه
 نرطدی بر طوطی صایح کشی
 قضاییده اولدی امیر اللوا
 ایدر اقر ایلد علم شدید
 بولور لر بر اویش کور کجوان
 طو لوش غذارند مهر خالی
 کور مس بره ارقم خوش
 ایلش قراکل بداعی کبی
 ایدر لر او سکنه ظلم و تبا

اولو را دم نظم کنی بیا
 جو کور دم ضرر دور کردی
 خواه صفتین ایله شهاب
 بکا طوطی اولدی از طهر
 غارت حرامی سینه کلدی
 مکر با حق و قف جمیل
 بیک بشلو کب سری اولدی
 خان یار غن ضایکه باد صبا
 کج روی بود روشن پشاره
 حضورم سجان او چو روی بزم
 بو طوطی صفا شمع منیر
 بار شمع روشن کی سحر کرد
 نقش اولان کیمیه کردی
 حضور دم کا و لوری رور
 بکه کار ایدر کی بود رشید
 صناس که خطاط النذر صبح

باز در این کتب و کتب دیگر که در این کتب
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر

شوم علم را و خبر غم کید
 اولور می که ناخ بره قتل بد
 جن سینه سیرت بولملر
 کنی هسینه کیرمه او عالمک
 نمونک خرافه غرضین
 بهاندم اول عالمک چون بد
 حقیقه قالمودر نایم
 بولم حرب اولور لر معین
 او عالم که ظلم انکه نهی
 تیریک کنی انک قاضی
 واروب سولر که کافق سوز
 ایلر قانو غفلتینک کوز
 وار لر خوش ایدر لاکا
 اولور رطرتی دین حیا
 مشایخ اکور ظالم اغامنی
 دعا ایلد احب ایدر منی
 دیمه بولر زهل ادر اکدر
 کهنکار و خونی و سفال در
 کیر خفته و تاجی بکش کسر
 عجبدر بوعیب سلی و زهر
 در ظلمه وار ایچی عیامی
 هلاک ایدر سن قویه سن ظالمی
 اوصالح نشی دن اولور سحر
 بوز دکلدی قتلو چو عمل کار
 اوسکینی اولدور ب اغلندی
 کناهن بر ایلن ای اندی
 ندر ص ایتدیر صالحی حاصلی
 صویه المور اگری لسن کبری
 بوری طوغری بولکجه مطهری
 کلور طوغری و کرجه موج بلا
 چکر قورتر کرب غلج
 درخت عصادن که کوردی عدا
 اکا ویردی اناری اجر و لب

و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر

و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر

اکا کور

و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر

اکا کور در فوت اولان
 دو کور لره شک کور مرین
 ات و غلبت ریا کور
 کرک منقذ کیشی بولور
 ویریدی اگر احتمال وجود
 جور دی بوا سیری اولان
 ستمکار و غبار و زردود
 زید و پریشان ایدر رود
 قول ایدر بکم الله من ای
 وجودی بصیرت دن اولور می
 ای مقام حد نه نمان فی خفا
 حاکم حاکم حاکم حاکم
 دوزن کی غضب و جوان
 او کور دین نیکو تیان
 مسیح طر استیالی بقدر
 چاققد اغنی بو غریب طهر
 تمام اولر اغند سر کجایم
 صولر کیشی سویر سانه یم
 شای ویر غلغله ذات
 روی برک کل کیشی و لطف
 عون اولان اولور طویل
 زینت کیشی زبانی
 ذراته دیر کیشی بکل
 کس ویرمه غلغله خاندن کل
 داندن کجور سیل طای
 داندن دوش غلغله خا
 اوزاد سوزین سرفروشی
 اجل کیشی طو تو مز دی
 قسوه غلغله ولور غلغله
 کلام منده زبراکه وار کیشی
 بریشان غلغله وور اجله دین
 عیاندر که عین زیاندر زبانه

و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر
 و کتب دیگر که در این کتب و کتب دیگر

اکا کور

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

موزون خواند و چون
دید پیر و احوال
ایمانداران را
کوشید و موزون
بین تندی و
غشاد اندی و
همین بگوید و
شال و پیر و
دیده می دارد و
او را بفرستد
وزیر و بگوید
شیر و اناده
بوده و در
وار و
و در
خاک و
همین نام
مکتوبه و
نموده و
موزون و

دیدی ای زنی
 خوارگی بجای نیدن ای
 و بر آید و درین
 و کندن قوم و ثلثای او را
 از غلامان ببرد
 ای پسر و از بدی
 بطن جالبدی
 و در بومندی
 و در بومندی
 و در بومندی

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

کتابخانه

از این کتاب

[illegible]

مکتوبه فیضیه

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بیاضی کا مہر دین

مصدق

بکرم عالم امتحان
 وجود کرده و اریه ضم
 شولار کم کلند و لما کیر
 اولو غیبتی آند غلطی
 بول این در می مرد آقا حق
 او یولده چکی غوغا
 کی بکر شیطان نایل اولو
 نه انکسین فی بحر
 اولو حاصلک حم خنظل مثل
 وجودی نمینده ریحان
 مکرّم ایدرانی ربّ الکرم
 بری راه باطل بری راجق
 بو یولده اولو خلقه اجر عظیم
 کی بامر قرآنه قایل اولور

[illegible]

اویس لقون خرنی دیا
 دیش ای قریه یوزلو بدنام
 همان وی مضید آنچس نعت
 دیش اگر یکم مثال ابدال
 حقیقتد مانند ابروی
 اگر اگری و ملاپ مانند
 افرصوبی صورت اعوجاج
 تفکر ایدوب اول الصیربان
 ظهور کلور مرقد حق
 بودرایی فایده مانند
 او بالایی ایزر کنور غل
 عیان واسه اصلیکه
 فراق او منجی بولمر وصل
 بو کیشکم اولدی خورش
 کورر یولده شیشه ایبر
 ندن اگر پس حق بولنده
 سواینه دیش تحریف
 اولور کند ویه فضل حسن
 بکها اگر یکم در اعتبار
 وجودم بولدن بد زکدر
 ویرز داتک جو مرنه ردا
 بر اولنک حکمتی وارنخان
 بو علم از لدن بنمربق
 دلک طوت کلام فیکل کوش
 حیط اولنیم علم مولایر
 صلاح اید اولور دی عالم
 جلال المنجی بنمربق
 بو اگر یکم اولدی عین کون

[illegible]

دو زنه و دو زن که یکی از آنها را در خانه و دیگری را در بیرون
دیده اند و یکی از آنها را در خانه و دیگری را در بیرون
دیده اند و یکی از آنها را در خانه و دیگری را در بیرون
دیده اند و یکی از آنها را در خانه و دیگری را در بیرون

عجب در کجاست و خوش طبع
بوجهوری در ناله ایست اگر
بوز و بلبل انسان گرانگهان
دیدم عقل انسان اولم خرد
بوقر و خود سواد بر لب بول
بوسواری بوقوف خشیت
بوغار صوبه بند انگشتی
دواب اصلی عقل و ادراک
عقل اولان بحری غم غریق
اولم نگویم قتی خوف
موسن بکفر خوفه خشیتی
عبان نیمه سر سینه کمال
غرض که تعلیم و تعلیم
دلاور کبیطوان عالمی
یاندن کدر فرج آدمی

بگویم که در کجاست و خوش طبع
بوجهوری در ناله ایست اگر
بوز و بلبل انسان گرانگهان
دیدم عقل انسان اولم خرد
بوقر و خود سواد بر لب بول
بوسواری بوقوف خشیت
بوغار صوبه بند انگشتی
دواب اصلی عقل و ادراک
عقل اولان بحری غم غریق
اولم نگویم قتی خوف
موسن بکفر خوفه خشیتی
عبان نیمه سر سینه کمال
غرض که تعلیم و تعلیم
دلاور کبیطوان عالمی
یاندن کدر فرج آدمی

بگویم که در کجاست و خوش طبع
بوجهوری در ناله ایست اگر
بوز و بلبل انسان گرانگهان
دیدم عقل انسان اولم خرد
بوقر و خود سواد بر لب بول
بوسواری بوقوف خشیت
بوغار صوبه بند انگشتی
دواب اصلی عقل و ادراک
عقل اولان بحری غم غریق
اولم نگویم قتی خوف
موسن بکفر خوفه خشیتی
عبان نیمه سر سینه کمال
غرض که تعلیم و تعلیم
دلاور کبیطوان عالمی
یاندن کدر فرج آدمی

شوکم کند و امر نه عاقل
او کیم کز عیب سینه عالم
نصیحت ابرکت عداوت
نزع و جدال بیه سوره بولا
نصیحت اکابر سحر لاد کل
سکندر و در لوث تفاوت
نه لازم نزاع و نه حاجت جدل
کتاب اصول بیه ایمل
نه آل عثمان و صاحب فران
چون کمر و سبیل بیدار
اقان فیلر اوشدی دایکی
ایشین باشه ایتور دی
جیقوب الش تغین دود
سکوردی آتیده اهل جدل
بولا شور دی بر خرقه فغان
نخ و دود و سندن ریج
بدن اشیا ن فو یوب مرغ
قجلا آیرده ناز غدا ب

بگویم که در کجاست و خوش طبع
بوجهوری در ناله ایست اگر
بوز و بلبل انسان گرانگهان
دیدم عقل انسان اولم خرد
بوقر و خود سواد بر لب بول
بوسواری بوقوف خشیت
بوغار صوبه بند انگشتی
دواب اصلی عقل و ادراک
عقل اولان بحری غم غریق
اولم نگویم قتی خوف
موسن بکفر خوفه خشیتی
عبان نیمه سر سینه کمال
غرض که تعلیم و تعلیم
دلاور کبیطوان عالمی
یاندن کدر فرج آدمی

کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را
 کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را

سپهر بر کون علی سلام
 پیشتر بر بطلم ایدر بوشه
 دلبسته قبول کرده تیرگی
 نرم خدتمند آغوشی
 روانی اشکر خفا ده لا
 جوان در و ب اصف
 غزایه داروک ستر در جی صبح
 سرت کجی چرخ کون جان
 قبلور بولمره بند اصف
 سوزده کجی اولور کجی
 دمو قرات آتند زخم
 تنده قیراتک ایامه رو
 دم اولور که طوپین پیرین
 باغ ساعی قرند با یسین

دور ریخته است
 کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را
 کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را

کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را
 کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را

کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را
 کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را

برین حاجتک بولد غفلت
 کوزی بشله طولی آید
 دبدی کدی پیش کسه اشتر
 اجل کبی با که آقین سید
 بیدوق ادمه شوریم
 صوبولما غمیت خوروار
 فقیر و طهر ولدی یزدان
 دو نیک برین آدم اولور
 المده کجی دلمه غمان
 دوه بهجوم اندی حب الوطن
 قتی یل کبی ویرمز اولدی
 او طاقه خود اندی مانند
 کورولدی دی کویا که رغبتما

کجی

کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را
 کجایان که میفرستد با تو را
 سزای تو که بفرستد با تو را

[illegible]

کوه که اول و دوم کوه را
 که اول و دوم کوه را
 که اول و دوم کوه را
 که اول و دوم کوه را

بوم کوز لرچی کبر خضر
 صبا حن کورانی بر آسمان
 کوزنی اچار کوزر اول کبار
 صوفدن کور خسته آتش
 حواریت کور در منده صو
 صودن قالد رکن شین بو
 سفیک کور شسته چون ملا

مکاتیب

کبر و ارادی بر معار و بنا
 فرا کوایدی چاه بابل کبی
 دل نسلان کبی سنگ و تار
 کجیله بری قیلدی و جوامی
 معار و اچینه کیر و ب اول
 کیمجه قارده کوشنده کندی
 قاقارنده بر قازغی خوله

کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را

کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را

جگر لر بو جالید و انور
 فراک او شریک و عسکر
 اوزون بویو کور کافرد
 تورینه عین تغدیرله
 مخت کور کور اکو غلر
 بونک لافک غورینه ایریلر
 معان غالب اولوب طالی کور
 بونک کیمی فعل قبا کور
 دمورون کلدر بونک بازو
 قراله بو قوی بایان میده
 میانده شمشیر لند بستان
 زره کربوب صعلش جاننی
 دمور جوشن اچینه پنجان
 سلامی اکت خوب آلائی خوب
 جودی دیدی اول عین و دنی

کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را

کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را

کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را
 کوه که اول و دوم کوه را

سید خان غازی مکر بر زمان
مصر خسته و شام می روان

بی عریان بود و بقرین
 همان غم و دوری و درد زین
 بود عیان غمخیزان لری فدا
 آن کس که می سر می و در کجا
 اندی ز مانند چرخ کمر کو
 انوب آید الهی الهی بخواند و منو
 و زاید می و دوری و درد زین
 همان غم و دوری و درد زین
 بود عیان غمخیزان لری فدا
 آن کس که می سر می و در کجا
 اندی ز مانند چرخ کمر کو
 انوب آید الهی الهی بخواند و منو

نیاز آید می مولک غازی
عدو الی بیک کا فراید تمام
اغوا مشایدی تمام گرد
قافعی بایند اوق کیسی رید
بوشکر مراد کی غیب
عدوی مونا سوسه محمد
دید می طوئان پیش بیکان
خاعندی دل الی بیک کشی
خواهی اند غیبی اولدیر
او بیت غازی نصف اولدی
فجر کم اید عین عونی
نرم کیم اوله اعتقادیل

حکایت سربازان در دشت
اولوب جلایان
عرب بجاری کندی فیلدی
بوجیهو سربازان
حصاری ضروری بنا ایلد

خوش بزم سلطان از دی تو کم
 طاعنی قوم ای که نه اول قوم تو کم
 غلایین ای که اول قوم تو کم
 خسته خسته دی غصه ای که اول قوم تو کم
 دو کحلان و دو نیم دال
 صدی دهمی بی تو نه اول قوم تو کم

[illegible]

این کتاب را در روز
 پنجشنبه ۱۲۸۴
 در شهر تهران
 در کتابخانه
 مجلس شورای
 ملی
 ثبت گردید
 شماره ثبت
 ۱۲۸۴
 این کتاب را در
 روز ۱۲۸۴
 در شهر تهران
 در کتابخانه
 مجلس شورای
 ملی
 ثبت گردید
 شماره ثبت
 ۱۲۸۴

کونرا بوجوب بومنه که از شری ذائق
نظر اید به درم غین غضبانند
که وصالی صبا نی کند ی بار
نمی بومنه بر دلری جانکه
نقدیم بختان بندیم
کونرا بوجوب بومنه که از شری ذائق
نظر اید به درم غین غضبانند
که وصالی صبا نی کند ی بار
نمی بومنه بر دلری جانکه

[illegible][illegible]

کریم بنی بیک یار پیش
کونار بولایه بنی بادا
عباسیه گویا که بر سر کار
ولایت من منطوق

[illegible]

مردمانی که میگویند که

جکامیت

وارشهر و بازارنی سیر
 طو لار کوزی و کوبی غاشی
 بوغیده و قالور ذیل
 بازار صانکه شمع شبنان
 دلو کوبی کیسی فویوب کندی
 نه بر سدی وارشهر
 اولور خلقه و کند ویر بر بلا
 قالور سردری ایله براس
 ۳۱

بیل او کجی ماندر بر کاشنران
بیل او کجی ماندر بر کاشنران

از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار

مکر بر مالک یوز لوجه دلا
 ای غی تو زیه مثال قمر
 کوریکال املک سرو
 اکا سرگز اثر اول اهل
 ایدر مخری کوکلی اوینه خول
 او ماهک اولور نیچیل مخری
 نه مدم بری پیر قول
 مکر برکون اول ماه برج و
 طلوب قسندو بشیر کوکلی
 مراد اولدی برینه غایت کما
 ولی التماس اولور سه قول
 یومقصودی قشش ایدر اهل
 قبول اولوغه قابل اولور
 اکا عرض حال ایدر بیل کی

از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار

از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار

ضلار بور سه شهنه نایلا
 ایر شور بوشه مسا و دور
 او بد تمام اولور شسته
 قاشی کپی کپی کپی کپی
 سور طوغی یغیل اولور سوری
 انبی سمرای سمرای
 نه کیم التماس سه مقلول اولور
 خطاب ایشش عاشقندن کما
 ایدر یو بوکلر قیسی سوری
 محله اولور سه غایت کما
 پشیمان اولور سه قشش قول
 قبول اولوغه سپح قابل کل
 نور از خاندن ویرد خمر
 قول طوغدی اول غنچه کل کی

از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار
 از این کتاب که در این روزگار

[illegible]

۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲

بو روزی دخیب که با کج
 بویش که من جدی قیدی
 از این گنجی که زبان بیدی
 زباید و بوی روزی بیدی
 که به بزم و ارادی شکی
 فتنه فتنه فتنه
 هم فتنه
 از دور دوری که کوچه طعم
 فتنه فتنه فتنه
 اشارت بود و لب که
 زباید و بوی روزی بیدی
 معین علی بن معین و فتنه
 کور و دوری که فتنه

نذکرہ جبری و اراکہ جابا

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the previous page, written in a cursive style.

[illegible]

کھنڈا یا لکھی اوہ ابدر
سوزی جی کو بائیں بائیں
سوزن لکھی اوہ ابدر
سوزی جی کو بائیں بائیں
سوزن لکھی اوہ ابدر
سوزی جی کو بائیں بائیں

و انچه بنامه و درجه از این کتاب است که در این کتاب است

الحمد لله الذي هدانا لهذا
 ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

17. 11. 1917

نه لازم تراخ و نه حایل

مجله علمی و پژوهشی

الحمد لله

طریقی

دیو بر که زلفش در آید
 خندان بکشد آدی سکارا غنی
 خوشی خیزد ز آرمش
 کل کوه را پس
 دلائی کنی کلید بردار خواه
 بونوره ز خون این کوه

۱. بلند ایست و در چشمت
 ۲. یک عاقبت نذر فتن
 ۳. عاقبت نذر می در ده
 ۴. بهو اهل اولاد و
 ۵. مصاحب که هم از آل و
 ۶. خبر و علمت و کلام
 ۷. که سبب می خنجر
 ۸. ایندانی که چینه و رازی مخفی
 ۹. عجب بر چینه و رازی مخفی
 ۱۰. **کتاب**
 ۱۱. که می شنید و نویسی
 ۱۲. که می شنید و نویسی
 ۱۳. که می شنید و نویسی
 ۱۴. که می شنید و نویسی
 ۱۵. که می شنید و نویسی
 ۱۶. که می شنید و نویسی
 ۱۷. که می شنید و نویسی
 ۱۸. که می شنید و نویسی
 ۱۹. که می شنید و نویسی
 ۲۰. که می شنید و نویسی

شوکیم انفضیل بنیام
بنی مر محمد علی السلام

بفضل دلیل الیه الزام اولو
کلوب و ردی امریه نظام

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the manuscript. The text is written in a cursive style and includes a red ink mark or signature.

اولا صورت بنفشه گون
کوبیده و قلندر اولان کوی
خانی یک ایل اوونون
دوباره ایضا افشایه

اولا صورت بنفشه گون
کوبیده و قلندر اولان کوی
خانی یک ایل اوونون
دوباره ایضا افشایه

دو روز در روز یک روز
 در روز یک روز در روز
 در روز یک روز در روز
 در روز یک روز در روز

صورت خطری نیست
 کند بدمیری که
 طوبی و مادی نزل در
 بشخصه و کفر و شمش
 او تو ریل تمام اخطا طیش
 بن بونگر بدم اسلانی
 نه بونگر کفر و مادی
 قلندر بونگر شمش خود را

بزرگ زمانه در شمش
 بوحالب که بچیزی زمانه
 بوحسانی ترک آنکه دایما
 کلوب بر بودی دو آنکه
 بهودیه بوسری او که نیک
 دیدی کثرت ناس بچند کا

بچند کا
 بچند کا
 بچند کا
 بچند کا

دو روز در روز یک روز
 در روز یک روز در روز
 در روز یک روز در روز
 در روز یک روز در روز

بچند کا
 بچند کا
 بچند کا
 بچند کا

بچند کا
 بچند کا
 بچند کا
 بچند کا

بچند کا
 بچند کا
 بچند کا
 بچند کا

بچند کا
 بچند کا
 بچند کا
 بچند کا

بچند کا
 بچند کا
 بچند کا
 بچند کا

انجلیسی

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰۰

احوال و امور
 کومشهور غلام
 صاف نام و اولاد
 قتلکم کن و اولاد
 اکا ایک
 احوال و امور
 کومشهور غلام
 صاف نام و اولاد
 قتلکم کن و اولاد
 اکا ایک

دو نو یوز و غلام و لون
نقاره چي چي ايزه بار بار

درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی

فیل الوجود اولور
کیمی سارگی شوم
اوبند که بر فعل مقول اید
تو لک ای سینه کفر
فقر العیب و غریب
ایو واحد اولور بر هر
یر از اولور معلوم
افندی کند و یه قول اید
دو کلمه سو کلمه عار
دو ترپ سوزدی اولور بر

بجای

مکر و ایددی بر قول اهل
افندی یور و غنک دایما
مراد نجه اولور دی دوران
افندی اهل فانی
قولینی کوز بر کون اول مر
دندی لطف و احسان کل
سوزیه عناد تمیوب اول
دیددی ای خمراد و جیا
که عیسی سوز و غنک دایما
زبان کرد و جصلت و نهجا
خلایق ایددی اول بد
زبانینی کوز لرد و شیطان
او قول بر جمراد و غنک
الند و طو را یکی چینی طبق
یر و اور الکن و چینی
یر و اور دی چینی لری کجا
نه خوش ایدیک یوزیانی کجا
سوز و م سدلک بر پندک

درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی

درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی

مرد و سندی فریاد
ایندی اکبر کجش شوم
دیددی ای شکرته دان و زنگ
جامل ایدر چ کس جامل
کج قصه دن و بر دجی
بواغیر ولدی که قوت
او نود و غی و لنه فاند
زبان صا و اتی ایدر شش
شوکیمه که عمری کائنات
شغاک تو چون غی میر
شغاک تو چون غی میر

بشی شعیب ام نامی علامه

بدی فرقه در سل آدم
برسی و لو خیر بام
یور آبدت ایشام و ح
غودیت و الدرق متی
رکونه و ارطاس را کبی
اولور فرقی سیری برندن
رفعی خداد مرادی مدم
یوزندن غنک کجانی
دم طاعتی و حنک احنی
اولور مرکب غنک ر کبی

درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی
درد دل و دلخوشی

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

ز می مرد خاص شد الانام نو پر صورت سکه در دوزم

بر می داخی طور بر خور
 بی صورت آن اولو
 کز قاره بشینه درانی
 نه دیشنی که نه امیک
 نه او کونک استریمیک
 نه خربنی که نه انصاف
 خصوصاً کسی سپاهی
 اولو اقصی سندان کی

خوش آمدید در دوزم
 کچور رفاقیده احوال
 بقرا فح در دوزم
 اولو در دوزم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

کلان آنچه ویریزه کند و نه
 افندی که بر نه ۵۰
 مالینه دگر گنج شکی
 طریقه تغیر اهل یقین

دو کر لک سو کر لک ویریزند
 علامت ایدرانی کودکی
 بنوک کیسی اشیا نه یقین

بد بخوبی بولک اولدی عدی
 نصار که نص ایله طعوزند
 یهود که بیهودا و ضاعی
 سار و چاکه بیلک ایشال

قلیل ایجا خنی کیم کین
 صفار و کبار یکه مغسوز
 طمعکار و بیغیرت و حیلک
 ویرر کرد و کی خانیه اخلا

قوین ایسری قیلک سبوز
 بوجانس نجاسه تله نظر
 سکا دوست و رفیق
 بیان ایتدیم ای عاقل نادر

اول افندی که بر نه ۵۰
 مالینه دگر گنج شکی
 طریقه تغیر اهل یقین

دو کر لک سو کر لک ویریزند
 علامت ایدرانی کودکی
 بنوک کیسی اشیا نه یقین

کلان آنچه ویریزه کند و نه
 افندی که بر نه ۵۰
 مالینه دگر گنج شکی
 طریقه تغیر اهل یقین

دو کر لک سو کر لک ویریزند
 علامت ایدرانی کودکی
 بنوک کیسی اشیا نه یقین

کلان آنچه ویریزه کند و نه
 افندی که بر نه ۵۰
 مالینه دگر گنج شکی
 طریقه تغیر اهل یقین

دو کر لک سو کر لک ویریزند
 علامت ایدرانی کودکی
 بنوک کیسی اشیا نه یقین

کلان آنچه ویریزه کند و نه
 افندی که بر نه ۵۰
 مالینه دگر گنج شکی
 طریقه تغیر اهل یقین

دو کر لک سو کر لک ویریزند
 علامت ایدرانی کودکی
 بنوک کیسی اشیا نه یقین

کلان آنچه ویریزه کند و نه
 افندی که بر نه ۵۰
 مالینه دگر گنج شکی
 طریقه تغیر اهل یقین

دو کر لک سو کر لک ویریزند
 علامت ایدرانی کودکی
 بنوک کیسی اشیا نه یقین

کلان آنچه ویریزه کند و نه
 افندی که بر نه ۵۰
 مالینه دگر گنج شکی
 طریقه تغیر اهل یقین

دو کر لک سو کر لک ویریزند
 علامت ایدرانی کودکی
 بنوک کیسی اشیا نه یقین

کلان آنچه ویریزه کند و نه
 افندی که بر نه ۵۰
 مالینه دگر گنج شکی
 طریقه تغیر اهل یقین

[illegible]

عقود النون بای فخر بن
دو کوزه بای پیشانی اغرضی
عقود النون بای فخر بن
دو کوزه بای پیشانی اغرضی

خدیو
 و عالم را بدیدم
 وزیر جهان
 خدیو
 و وزیران

خطایید سویر کلام کرد
بنا بر عفو و عفو
مرد کز روی لبان
فی الزامی لبان
مرد کز روی لبان
مرد کز روی لبان

بکا اید و رول می بیان
طغوز ایدی اولده دیریم
اوزده جهان شمشیر
سفیرک نیر اوسته غور
سماعی مونش در افا
عجب در نیوالت اری
انک کینی زنده درین طرل
بوالتون و ن ایدی می پری
سوز و دینا غرد و کرم
غدا بندن انک بزم
دو کیلور پیرد مینو غری
باقان کوز لر اولور اکا غز
دیر اود کینه صقالتن
بوک کینی سوز لر دن ویر

مکر بر غریب آغوش کونی
سفیرک بری کوزدی کا
کچن و خیل زان باکمان
چهار دم خلاص اولدم تیدم
وجود غیبه اولدی عین زبا
پیشان سوزی کولد ورمی
سیاه اید باغلو کونکونی
چهر کوزوی انر سیک شفا
اغوی دشمن ایدیم فغان
بلادن بین ایدی رغبه
عجبر که بر اقصی سی ورتان
سیر طغید و لده و غمی

صوفی و بر صابو و بر صابو
دیدی کینک و کینک و کینک
کرم و کرم و کرم و کرم
زانی و زانی و زانی و زانی
غیرت و غیرت و غیرت و غیرت

خبر اید و خبر اید و خبر اید
کدین و کدین و کدین و کدین
زبان و زبان و زبان و زبان
ولی و ولی و ولی و ولی
اول و اول و اول و اول
کلام و کلام و کلام و کلام

کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم

خطایید سویر کلام کرد
بنا بر عفو و عفو
مرد کز روی لبان
فی الزامی لبان
مرد کز روی لبان
مرد کز روی لبان

کوز آتانی مستانه ایدی حو
سوز و کدی حق دیدی بر
اوزده جهان ایدی باک
اوز اقدی کچیلور کن قسم
زیاد کچشدی ورتدن
سکر دندی انک کچا غم
بوک کچکن اید پیر سوک
تبر کن چو کین من مهملک
کچک بوینوزی کینی اغیر
نه ایدی مرادک بو افکار و
دیددی و لکی ایدر خست
ایکی بر غدن مراد اوست
سفاهت اید عرو باله کیر
برای حق و پیری حشمت
مقصود کچیلور بوتار ایدم
سفینه سوز سویمه اید
عبس سویمه دیدی قیدی
صوبه آندی بو احمق کاکان
بو خمدن و لیدی محصل
دیدیر اکا امی سفیه حال
باشک اوزر کاسنی ورت
ایکی بار غمک اولور ایدی غیا
بو تغیر و ضاع و اظوار و
سوزیدن ولی اولورن سر
مقصود کچیلور دیک و دیک
زیاد غن و پیده بستر

نظر اهلنہ عبرت حاضر
سفاهت و صفت اید پیر
افغانی کینک و کینک و کینک
افغانی کینک و کینک و کینک
افغانی کینک و کینک و کینک
افغانی کینک و کینک و کینک

صوفی و بر صابو و بر صابو
دیدی کینک و کینک و کینک
کرم و کرم و کرم و کرم
زانی و زانی و زانی و زانی
غیرت و غیرت و غیرت و غیرت
خبر اید و خبر اید و خبر اید
کدین و کدین و کدین و کدین
زبان و زبان و زبان و زبان
ولی و ولی و ولی و ولی
اول و اول و اول و اول
کلام و کلام و کلام و کلام
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم
کرم و کرم و کرم و کرم

دو کون باغی مثل دو کون باغی
 دو کون باغی مثل دو کون باغی
 دو کون باغی مثل دو کون باغی

که طو خوی اگری بدن اگر
 مسلمان اولان اگر
 شکیم حین عقیده اچری
 دلیل الیزمر دلیک سون

حکایت

اکابر عیسی چوقدی
 وجیه اولسه داخی کوز کوز
 اکابر جماع ایلمه خورنه
 دلمز اولان عقلی استم
 فجن لوله شهوت ایلمه خورنه
 یبانه بولینور بواو اکر
 طوغان مه فضا که شهبار
 اولو قمل جبر علی آذن
 بونمر ظلامند و صلا اس
 جماع ته لرست و جبر این
 چاققد اق صد اس
 طوغان و غلنگ عقلی و لمر
 جماعه تبعیت فطر است
 کتور عقلی بانو که خضر است
 ایدر غلنتی و دی مردی
 دلیل اولر آلا که ادر اکر

بدی شغبه فاذن بجایه اکر

نذر کشتی فیقر و غم
 اچر غم و غم و غم

نذر کشتی فیقر و غم
 اچر غم و غم و غم

نذر کشتی فیقر و غم
 اچر غم و غم و غم

نذر کشتی فیقر و غم
 اچر غم و غم و غم

خدا حق یوسفی قیدی
 غم چایه دکان خور و جا
 اجل بنی خلقی ایدر
 نچه سوار می ایدر
 اجل نچه ضحای کریان
 نذر ان جمک قدیمی قدیمی
 بوعالم که یوقدر صو کند الم
 نچه پهلوانه ویر زحمت
 کتور ربره اکره سون
 کور و غم قصا دجل ای
 ار اقدردیمه کل است
 سرخ الزوال اولدی متنا
 نو غوغایی اولر جهان و با

ن لازم نزاع و نه حاجت دل
 کتاب اصول ایدر عمل

نذر کشتی فیقر و غم
 اچر غم و غم و غم

نذر کشتی فیقر و غم
 اچر غم و غم و غم

[illegible]

زمان ابله بر پد و زنگ
 نچه او غلی اوش و فاش
 اولم اوقیه او غایوب
 براو غلی فالور جمله
 آلوب اوزیه پره اناواتا
 او پیرترین اهل عرفان
 فحش فکله بر اهل علم خطا
 نوبه ابله و اوشن
 فلک قدیمی اکی فاش
 کمان ایش آنی درد و بلا
 اول ایدی او سینه ارام
 انچه تعاخر ایدرد ایا
 کمان ابله مشهور دوران
 اولوردی انگ سر سوز

انہی ایسی کنز کا اور
 فیضیہ ایسی کنز کا اور
 بقیہ عالمی کنز کا اور

[illegible]

سید علی حسینی
ابن ابی طالب

صاقن

شکر ختم ایم کتاب اصولی ام لیم

خانہ کتبہ

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وجماله

دو عالمی جہیم

۹۰۱ الی ۹۰۲

[illegible]

[illegible]

عاشقانه دنگ چشم که پایش چون
شوشش شش غمدن و کفن پایش چون

بوسم خانه کرد و خون و فک
صفت نادر و خانه ششش چون

ناله سوئی صمد له چون هوامه
کوشه میکده دنگ خسته و قد تو

سمر لبه معراج اولان صخره چون
بعشی به رنگ اول کچو بود

نخچه کلین قبل و لایان کور به لرک
اوسه و نوم و نو کوزان پایش چون

بنی لطف و کرم است در دو بلاد تو

سبب ششم نه یعنی قصه و ن قور

نجه اول و عالم او کون کم طور و قضا
او تو حیک که مایه و کفیات و

نجه و لور عالم او کون کین و قضا
ناله آه و فیه صاعقه قور

بهر قور می سده طعمه بده او محلاوم
ساق منظر لور او خوشی قور

یکم ایکی جهان به کین است قور
ایکی عالمه و نیم به دمسند و

افره و کم شکش اهل حقوف
دینه و دخت کشف و عیانی

عجایب کین . ادم اوله زوئل

حاجتم بودیه قضا اینه ن نذر و

بقعه نادان که امیر قبل است
اهل کم و نه نوازنده و قانون

نظم ای که قافیه به بین
نظم ای که قافیه به بین

نظم ای که قافیه به بین
نظم ای که قافیه به بین

نظم ای که قافیه به بین
نظم ای که قافیه به بین

نظم ای که قافیه به بین
نظم ای که قافیه به بین

کل ایض نبی فاطمه جد و شاهی
 که نام بر حسن مهر دهم
 بعد توان گفت از جلالی
 که بختش فین شش خور
 شنید بگو که ملک حق بود را
 او که خفا کی دست تحت تو
 هر که نام کرم می برد درین
 نزار جان کرامی فدای منست تو
 خواب می شود خطه کرم می
 زار خانه کو نرشار در بار

علی ولی خدا بانی جهان کرم
 مدد می که بوسه داسان کرم
 خود است کل او کو سری کرم
 زبان خانه مند و شر جان کرم
 شکر مرده نفاست در دهان
 بیام حرم نفاست نزد جان کرم
 خرد لبوی تو اش می پاشان کرم
 که گشت نماید آباد از جهان
 حسن که خود کو کردید پاسبان
 شدست حرم سر سبز پاسبان

و بود که ملت ای بر خود بانی
 در از وجود تو باید بهایت کنم

ساعات و نصف سعدی نام و در دو کلام عجب است
محمد خلق و یوسف روی آصف را خورشید

نو چاکت و فصل و ناکست فرزند
 شهاب انوی کم ذره و حسن بر عظم
 سبب آسایب بکلمه او نوی ترا
 کمال مسلم و طفت لطفه اسانکه ام
 شامی یاربو هو ز غافلی غایب کن
 زوایایمیدی انفسک و بیدین
 دمای دو نیکه شد غیبت مستدر
 چاه سبب جنایه قائل در دهم
 کوی یوریا رسد یاقین دل در ایا
 کیده فصل ایستند غیبت طول نمده
 بگویم شرح اید ز سر سینه ایمل بدام
 چاه سبب جنایه قائل در دهم
 کوی یوریا رسد یاقین دل در ایا
 کیده فصل ایستند غیبت طول نمده

تبت جو تو ملک شیخ مرزا ابداً پیر
 نسیم دی خاک کجا بکشت خم
 شمع جو سر یک فن افشایی
 نال حسن پرک نغام عالم دوم
 نشت نوا کجاست کس فرست
 شند دل اولو لولو کد شمع
 فیکر وقت سروای عالم صور
 ناک کجاست کس سر و کشت
 نیک کجاست بر این کور دی دور
 نغز من پر نر مند و نخی پرو
 بنیال افضل است سلطان اکرم
 سعادت صفت سعدی نام و دو کام و یک
 محمد خلق دیوف دی اصف را خدیوم
 نوجوان و فضل و کمال فزاید
 شهاب انوی کم ذره در سن عظیم
 مسیح سائب لعل کونو نماند
 کمال مسلم و ظفت لطف اسانم
 مشایخ یو لور غانی غار کج
 سوان ایدای غافل اشک و شبنم
 دمای دو کشت شاد و خفت مند
 نوله قلبم سوز و اشعار و نغم
 چار سبب جناب حوال قالد و دو کم
 جبار دایه چون کف تر از دلو کم
 کویور و کس یون بل در دایه کم
 دو کجاست در آفت زخم ایام کم
 کجاست در آفت زخم ایام کم
 کجاست در آفت زخم ایام کم

ویرالدی و جهانگردی و

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

عنایت ابی و روبرو بن مصطفیٰ

کتبه حسن بن علی بن ابی طالب
 علیه السلام
 فیروزان نام و در این
 کتبه حسن بن علی بن ابی طالب
 علیه السلام
 فیروزان نام و در این

فانی بر سر خاندان بخت
فانی بر سر خاندان بخت
فانی بر سر خاندان بخت
فانی بر سر خاندان بخت

نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق

و چون ناله آفتاب تو بخت
و چون ناله آفتاب تو بخت
و چون ناله آفتاب تو بخت
و چون ناله آفتاب تو بخت

نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق

نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق

نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق

نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق

نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق

نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق
نور افق به نور افق

دارای علم و ادب و ادب و ادب
دارای علم و ادب و ادب و ادب
دارای علم و ادب و ادب و ادب

چون به جادو و جادو و جادو
خداوند... به جادو و جادو
طواف کعبه و زوایا و طواف

تجربه و تجربه و تجربه و تجربه
ولا و لا و لا و لا و لا و لا
ای خاک و خاک و خاک و خاک

فانک قسم و قسم و قسم و قسم
طاعتی و طاعتی و طاعتی و طاعتی
افاق و افاق و افاق و افاق

ایوان و ایوان و ایوان و ایوان
فرمانده و فرمانده و فرمانده و فرمانده
زاکه و زاکه و زاکه و زاکه

تدبیر و تدبیر و تدبیر و تدبیر
لطف و لطف و لطف و لطف
قانون و قانون و قانون و قانون

برای علم و ادب و ادب و ادب
برای علم و ادب و ادب و ادب
برای علم و ادب و ادب و ادب

دارای علم و ادب و ادب و ادب
دارای علم و ادب و ادب و ادب
دارای علم و ادب و ادب و ادب

و که شکست و شکست و شکست و شکست
نایب و نایب و نایب و نایب
نصب و نصب و نصب و نصب

نوعی و نوعی و نوعی و نوعی
دل شمع و دل شمع و دل شمع و دل شمع
درگاه و درگاه و درگاه و درگاه

نایب و نایب و نایب و نایب
لطف و لطف و لطف و لطف
بخش و بخش و بخش و بخش

لطف و لطف و لطف و لطف
شوق و شوق و شوق و شوق
زین و زین و زین و زین

یاسین و یاسین و یاسین و یاسین
نبا و نبا و نبا و نبا
صاحب و صاحب و صاحب و صاحب

زمانه و زمانه و زمانه و زمانه
کوزند و کوزند و کوزند و کوزند
دل و دل و دل و دل

کل نامه
صالح احمد

میں نے اس کو دیکھا ہے کہ وہ ایک
مفتی ہیں اور ان کے پاس
بہت سے کتابیں ہیں جن میں
کئی کئی جلدوں پر مشتمل ہیں
ان کی کتابوں میں سے کئی
جگہوں پر لکھا ہے کہ ان کا
نوم و نسب یہ ہے کہ ان کا
نام محمد بن عبد اللہ ہے
اور ان کا تعلق ہے شافعی
مذہب سے۔

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

کف سخاوت و کرم و کرم
بوسه فاقه اید اسرار
فغانی بابل کز آفتاب
ایرشد فی قسم بر کمال
عجب مواده و جواهر
قواف و غوغای دل ناز

بل بهار اید چون منعم
شکوفه زار و کجای
کیرنج بانه خوابان
خوسرخ شده غدا
بخوم شعله دارای
جانی کشنده و کشته
کجوب او توری چو کوه
یوانه چرخ شبی چرخ
جغانه و خمر و غلی
بوزنی سوخته خاک

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

عکس و زینت و بوی غزل
فکبای خورشید و غنچه
آفتاب بکشد و رخسار
خل زبان و در و در
فردین و بیت و بدون
سجده و دست کعبه چشم

عده غای بود و پیش
دست بیک شمع و زو
خاک و کرم و کرم
سخت و زینت و بوی
غده و دم و تاب و کرم
دست و کرم و کرم

نول بیک و بیک
انیاک و کرم و کرم
درب و بوی و کرم
سیان و کرم و کرم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

کشته بودم که در این دین
 بفرزاده ای بفرم و صالی بی گناه

با قهر آتشینده چو که در این
 به بزمی یک باره فیلد فی بزمی
 بوسل مشهور و الهی و شمس
 بیز اخلاص و دل شکسته در مکتوب
 دیده اولش پنداریم که بزمی
 نیت که برین قتل حرام و شمس
 سو لریه ف سو دونه و کشته

استانک سیمون الفی و ارمدم
 خیالی بیک است برای خیرت سلطان

اما بونزل و برانی نمایی
 فرا کو بندگت فخر خند و بزمی
 آنرا می صاحب و متعل آن و بزمی
 فوج کوزلو کبکی کوز و کله بزمی
 جعدن سینه خرق و بزمی
 جانده آدو که آدم و بزمی

بفرم که در این دین
 بفرزاده ای بفرم و صالی بی گناه

بفرم که در این دین
 بفرزاده ای بفرم و صالی بی گناه

شاهان باین و بزمی
 بفرم که در این دین
 بفرزاده ای بفرم و صالی بی گناه

خیالی شمس شمس و بزمی
 بفرم که در این دین
 بفرزاده ای بفرم و صالی بی گناه

بفرم که در این دین
 بفرزاده ای بفرم و صالی بی گناه

بفرم که در این دین
 بفرزاده ای بفرم و صالی بی گناه

بفرم که در این دین
 بفرزاده ای بفرم و صالی بی گناه

و فی العین کم و اوله العدم کم
 بس و اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم

وقتی که نشانی بود که بهای
 بر یکی کوان و اوله احوال
 انک کشته ای غایب شد
 رافضی و صله لایستنی
 و در کماله تمشید فی چه بود
 حاکم محکم شریعتی
 و نامه سبب بیدار شدن
 حکم تقویم که شش ماهی
 عالم و جاهلی بر کور می
 بی سبب لایستنی
 خاتم دواتی تا به دور
 کر او شری و بی بی و بی
 بر آید فی دانه و سر و بی
 علم بی عبت منصب بیدار
 بر طرفین بوز و لوب و بی
 شد آله و اوله قریع ملک
 صد و صد و صد و صد و صد
 یون و صد و صد و صد و صد
 آمدن اصلاح بر دم شری

و فی العین کم و اوله العدم کم
 بس و اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم

و فی العین کم و اوله العدم کم
 بس و اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم

وقتی که نشانی بود که بهای
 بر یکی کوان و اوله احوال
 انک کشته ای غایب شد
 رافضی و صله لایستنی
 و در کماله تمشید فی چه بود
 حاکم محکم شریعتی
 و نامه سبب بیدار شدن
 حکم تقویم که شش ماهی
 عالم و جاهلی بر کور می
 بی سبب لایستنی
 خاتم دواتی تا به دور
 کر او شری و بی بی و بی
 بر آید فی دانه و سر و بی
 علم بی عبت منصب بیدار
 بر طرفین بوز و لوب و بی
 شد آله و اوله قریع ملک
 صد و صد و صد و صد و صد
 یون و صد و صد و صد و صد
 آمدن اصلاح بر دم شری

و فی العین کم و اوله العدم کم
 بس و اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم

وقتی که نشانی بود که بهای
 بر یکی کوان و اوله احوال
 انک کشته ای غایب شد
 رافضی و صله لایستنی
 و در کماله تمشید فی چه بود
 حاکم محکم شریعتی
 و نامه سبب بیدار شدن
 حکم تقویم که شش ماهی
 عالم و جاهلی بر کور می
 بی سبب لایستنی
 خاتم دواتی تا به دور
 کر او شری و بی بی و بی
 بر آید فی دانه و سر و بی
 علم بی عبت منصب بیدار
 بر طرفین بوز و لوب و بی
 شد آله و اوله قریع ملک
 صد و صد و صد و صد و صد
 یون و صد و صد و صد و صد
 آمدن اصلاح بر دم شری

و فی العین کم و اوله العدم کم
 بس و اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم
 اوله العدم کم و اوله العدم کم

کوزین کزبان مراد ^{عادل} سرسبز از آن کردون

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

خواهم که مرا به سر ایست
نه التفات اوله ارباب
که فاسد بودی شاعر
که فساد بودی وزیر کالدی

اولیٰ مرتبہ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ
لو ان اولادنا لم يفسدوا
فانفسنا لنفسنا لفسدنا
فانفسنا لنفسنا لفسدنا

نه شکل اوله قبلو چنچ کاجل
 کوهل ماردنی تدحیل یولوندا
 قوزامورانی عالم مقطل و مختل
 بولسم سله سی یئر سول خل

[Faint handwritten notes in Persian script, likely bleed-through from the reverse side of the page.]

کمال نامه و مخفی و سیرا
 حکم موفقت کما یفت اولی
 مردی شده کلامه انزل کر بو
 کبد و حیات خا و طبعین
 نهما فضولی بی دل و عامی دو
 همیشه با و پندار می اندام او
 مدار امن و امان نسیم و دل

قصیدہ وچین وچین کے لیے

کور ز می تیر عظم تو قصه
 کشتش می خوار وین بوراوق خضر
 یا سیر حقیقی شه کاران کشورم
 یا بقیه می ترست یوسف دوان
 یا خود یا زدی بوطای سحر و بر

مثال نور محمد جناب لطیفان
 کم اید کسب صفا ذکر پاک مولانا
 شرف ابدی آفاقی روحی
 یا نور طایف آدم حسین خواد
 یا کلمه ی باز به شای دوان
 یا اغدی گوهر عبیدی صحن عمر
 فروغ مهر مال مال پاش

Handwritten Persian text, likely a continuation of the letter or a separate note, written in elegant script.

کمال مہربانی بنیاد اینست کہ فضل
 او فزون ہو فیاض و درود
 چو کہ کمال کمالی و کمالی
 دارا ابد سنونانی امل الخ

[illegible]

[Faint handwritten Persian calligraphy visible through the paper from the reverse side.]

عروس جو کہ نظم کنی بازو کہ در جهان چو تویی زیستگار کنی

نه دلبرده برا کی مستیلا یزیدیه غایت
نه بکر دودن و ن پرورد دایه غایت

نه بند و تاج بجز بخت مصری غایت
نه سنده اجتمالی که او امکان غایت

نه پوز بقلق قطعنه خاطر ده رخت

پشیمان تدوی ما آنی شدی محبت
کوردی این چو بیانی فغان درین پشیمان

فالوب خیزد اولدم زار و دیر
تعلق بی طرح بدی طردن انان

نه پوزد علی و طغی کا طر و خست و ا

قرب الدنیا فیه فی بدن جناب
کون شد که سحر است خدایا

قویوب کند می استوریدان
جهان را حاصلی سحره عالم غیب

نه موز علی طبعه مایه در حجت ۱۱۰

مردوبی و کل رصید و اقم قلم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

اولی که از این زمین
بازن دفن این زمین
بالک نری این زمین
نزد آنکه اولی این زمین
نزد آنکه اولی این زمین

دانی در تو و چاره و تو بگریزم
ز اعراضی حصار چاکم

نه سود علق و طعنه خاطر در جفت

جستار و مد ز قوت اندر
جانی بار و طعن جو اینکار

نه اغراضی حصار چاکم

نه سود علق و طعنه خاطر در جفت

ترجمه بند نوحی افندی

ولا شدن کبر و سودای غایت فلک اولر
سوقه لایق و لایق و لایق و لایق
تعلق و سوامی و خرم و خرم و خرم
اول و اول و اول و اول و اول

آلهی چاره نرفته غایت فلک اولر

بول از دم راه عسکه بدایت فلک اولر

بسیار از این زمین
بسیار از این زمین
بسیار از این زمین
بسیار از این زمین

بسیار از این زمین
بسیار از این زمین
بسیار از این زمین
بسیار از این زمین

خلاف و تخمین یار اولدم
بن دل سازک محاسبه مواد اولدم
صفای بزم عرفانه سینه وار اولدم
نیم صبح دیدار یار اولدم
بوالشغال تعلیق سبک اولدم

آلهی چاره نرفته غایت فلک اولر

بول از دم راه عسکه بدایت فلک اولر

نخل و میوه و جاک و جاک
نور و نور و نور و نور
نور و نور و نور و نور
نور و نور و نور و نور

آلهی چاره نرفته غایت فلک اولر

بول از دم راه عسکه بدایت فلک اولر

شیون و شمع شمع عالم
شیون و شمع شمع عالم
شیون و شمع شمع عالم
شیون و شمع شمع عالم

بسیار از این زمین
بسیار از این زمین
بسیار از این زمین
بسیار از این زمین

کند اینده از کمال
 فکری که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال

کوکلی غنایی بر سبب نخلان مبدی
 مکانی چاه نخت شتر قبری مکرر در
 سواهی شفا که چندی است
 اشیاء و آب و آرم عالم یک
 المده استیارم له و صبره قرارم
 کوکل کوز جان من برشانی و شتر
 سناک عوکلن اوله که بر در چ
 اشیاء چاه و سبب غنایی اوله
 بول از دم راه شکله و در
 بعدم بولید شوار اوله و غنایی
 و غنایی قاعل خوش و غنایی
 کوکل آتش کوزم باغ شکله و غنایی
 وجودم و قریبش شش خطا
 نرو و شکله از شام و غنایی
 الحیاء و سبب غنایی اوله
 بول از دم راه شکله و در

کند اینده از کمال
 فکری که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال

کند اینده از کمال
 فکری که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال

مکمل غنایی بر سبب نخلان مبدی
 زمانید نواله که در سبب
 خم می جوشل تونل اوله
 و مبدی و در سبب نخلان
 بهار اوله می کشد ایله چاه و در
 نخل طور سون کشی نخلان اوله و در
 کلوب منکام غنایی که در
 کوروشی نوروزی و غنایی
 طوخته نخل بالاجان طوخته
 بهار اوله می کشد ایله چاه و در
 نخل طور سون کشی نخلان اوله و در
 نظر قدم غنایی که در
 کوروشی نوروزی و غنایی
 بهار اوله می کشد ایله چاه و در
 نخل طور سون کشی نخلان اوله و در

کند اینده از کمال
 فکری که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال

کند اینده از کمال
 فکری که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال
 این کمال که در این کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال
 کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال
 کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

بکار اولدی چلدی کمال
 بجه طور سون کشی ندان اولور کمال

حسیبی و اولور زمان
 جهان کمال غم بوسه
 صال شمشاد و اولور جان
 او تورده طور غم بکشته

بکار اولدی چلدی کمال
 بجه طور سون کشی ندان اولور کمال

عبدی چلیست

این بزم صفا شکرت بلور
 دشمن انگه پایفت لبور
 بکه ایشی بکشا سینه
 غوی حسن حال ایصوب لبور
 عشق بکده دلور کور
 خوشه آملر کج حسیب لبور
 شردک یارم از اوج بایه
 قصه و غم غم نهایت لبور

مرصع عسلی عجبیت اولور
 مع عاشق که اکا او غزه یحی بولور

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال
 کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال
 کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

تبرج بند و سنی

ای خوش بخت کف پای
 فرسوده تیغ نکر کف و فضل
 عشق می ز جراح لوی خاک
 آجیون فضا می دولت و نقره بال
 طوسون جهان بک نقره خزان
 آواز و شب رت فح خجسته
 کرگران نیزه مردم ربوبه
 اعدای دینی و کجبه اشی خصل
 ابر کور و پنه شرافت طوبه
 ارکان دین طبل کفر جهنم

فرع کربن قلع استورین آل

کرک شک اسمون چو که بر دخی و آل

ای شاه سر بخت آفتاب
 نعلک چهر کسکه تیغ آفتاب
 بر پا و ناسکه ابر کاه
 شایان کادان جهان عوض آفتاب
 آتور دی خلی حسن بهای فاش
 ویردی مناج سلفه و لک آفتاب
 نیروی دست شکستنی باز
 المده خسران جهان فاش آفتاب
 ایتمه قبول غدری ایمره غدار
 المده و رب مکین بکله خسر آفتاب

فرع کربن قلع استورین آل

کرک شک اسمون چو که بر دخی و آل

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال
 کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال
 کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال
 کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال
 کبریا که در قفسه امانی
 علم عالم و کمال

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the letter or a separate note, written in a cursive style.

[illegible]

که در این مقام و حال
 نفس منجم و در امانست
 ساقی بنیاد ملک شریف و شیرین
 که در این مقام و حال
 که در این مقام و حال
 که در این مقام و حال

[illegible]

عالم بود که بجای او آمدن
 حبیب من در من است
 بهر سو رفت از روی مهر
 بهر گران قدر ای سر
 لب لاله و لطف چمن
 بهر لطف و لطف عالم
 منت می شود که شب
 بهر شمع و شمع
 بنجامین از یاقوت
 بهر یاقوت و یاقوت
 کجاست که بوی
 بهر بوی و بوی
 بنفشه و بنفشه
 بهر بنفشه و بنفشه
 الفاطمه و الفاطمه
 بهر الفاطمه و الفاطمه
 زلف و زلف
 بهر زلف و زلف

۱۲۰۰
 ۱۲۰۱
 ۱۲۰۲
 ۱۲۰۳
 ۱۲۰۴
 ۱۲۰۵
 ۱۲۰۶
 ۱۲۰۷
 ۱۲۰۸
 ۱۲۰۹
 ۱۲۱۰
 ۱۲۱۱
 ۱۲۱۲
 ۱۲۱۳
 ۱۲۱۴
 ۱۲۱۵
 ۱۲۱۶
 ۱۲۱۷
 ۱۲۱۸
 ۱۲۱۹
 ۱۲۲۰
 ۱۲۲۱
 ۱۲۲۲
 ۱۲۲۳
 ۱۲۲۴
 ۱۲۲۵
 ۱۲۲۶
 ۱۲۲۷
 ۱۲۲۸
 ۱۲۲۹
 ۱۲۳۰
 ۱۲۳۱
 ۱۲۳۲
 ۱۲۳۳
 ۱۲۳۴
 ۱۲۳۵
 ۱۲۳۶
 ۱۲۳۷
 ۱۲۳۸
 ۱۲۳۹
 ۱۲۴۰
 ۱۲۴۱
 ۱۲۴۲
 ۱۲۴۳
 ۱۲۴۴
 ۱۲۴۵
 ۱۲۴۶
 ۱۲۴۷
 ۱۲۴۸
 ۱۲۴۹
 ۱۲۵۰
 ۱۲۵۱
 ۱۲۵۲
 ۱۲۵۳
 ۱۲۵۴
 ۱۲۵۵
 ۱۲۵۶
 ۱۲۵۷
 ۱۲۵۸
 ۱۲۵۹
 ۱۲۶۰
 ۱۲۶۱
 ۱۲۶۲
 ۱۲۶۳
 ۱۲۶۴
 ۱۲۶۵
 ۱۲۶۶
 ۱۲۶۷
 ۱۲۶۸
 ۱۲۶۹
 ۱۲۷۰
 ۱۲۷۱
 ۱۲۷۲
 ۱۲۷۳
 ۱۲۷۴
 ۱۲۷۵
 ۱۲۷۶
 ۱۲۷۷
 ۱۲۷۸
 ۱۲۷۹
 ۱۲۸۰
 ۱۲۸۱
 ۱۲۸۲
 ۱۲۸۳
 ۱۲۸۴
 ۱۲۸۵
 ۱۲۸۶
 ۱۲۸۷
 ۱۲۸۸
 ۱۲۸۹
 ۱۲۹۰
 ۱۲۹۱
 ۱۲۹۲
 ۱۲۹۳
 ۱۲۹۴
 ۱۲۹۵
 ۱۲۹۶
 ۱۲۹۷
 ۱۲۹۸
 ۱۲۹۹
 ۱۳۰۰

پادشاه ایلان و بقیه السیوف و اقمین ایلان و ایلان
 کفره فخره ایچ قلمی حسن یقین ایلان و بارک ایلان
 ایلان و بارک ایلان و ایلان و ایلان و ایلان و ایلان

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
 ادب التعجب مع الله عز وجل اطراف الطرف
 وجمع الجسم و دوام الصمت و سكون الجوارح
 والمبادرة الى الامر واجتناب النقص و قل الاغراض
 على القدر و دوام الذكر و ملازمة الفسحة و ايمان
 و لا ينس من خلق و الخشوع في المحبة و الامتنان
 تحت الحياء و السكوت عن جليل كسب ثقة بالنفس
 و التوكل على فضل الله سبحانه فنهذه خمسة عشر

فطوبى لمن وفق لها نفلت من حظ من
 حضرت القدر المشهور
 بالخواجة محمد باقر قدس
 سره نقل من
 به الحظ
 م

بسم الله الرحمن الرحيم
 ادب التعجب مع الله عز وجل اطراف الطرف
 وجمع الجسم و دوام الصمت و سكون الجوارح
 والمبادرة الى الامر واجتناب النقص و قل الاغراض
 على القدر و دوام الذكر و ملازمة الفسحة و ايمان
 و لا ينس من خلق و الخشوع في المحبة و الامتنان
 تحت الحياء و السكوت عن جليل كسب ثقة بالنفس
 و التوكل على فضل الله سبحانه فنهذه خمسة عشر
 فطوبى لمن وفق لها نفلت من حظ من
 حضرت القدر المشهور
 بالخواجة محمد باقر قدس
 سره نقل من
 به الحظ
 م

اور نه قضا کنند متقاعد ایکن وفات ایمن مرحوم آغاز ده افندین
 اینستند حکایت بدو بدو بر زمانه که غشون شب بایستی در
 شوق و تاب سنگامی رباب عفا که و اهل دل بر این معاشرت
 خالی اولماز ابدی اول عصر که مناز و سر مد لرزدن جاودن احمد و مکیه
 بر جوان معقول قسم دخی شمع مجلس و فوغ بزم اسپر اولوب
 صحبتزدن جدا کل ابدی کردش روزگار ایله اول یکلخدا رک صفت
 رخسارند و خط غیاث کبار اشکار اولوب بنفشه بروق کل
 زمانه رنگ کرداده نوبهار مرصدا قنچه بر یوزدن دخی لطافت
 ایدوب اگر چه عاقل نظر نده هر حال انورینه ذره قدر کدر کلدی قانا ابر
 صور خطی کلک ابدی خطی کلک تو مندن سرینه مرات ضمیر عده
 انکار و صحیفه شیرینند از غبار بوق کل ابدی اتفاقا بر کن
 انامی مصاحبه و جوانک عواضندن بخت اولونوب جلایان
 شانس اندیر و بدیدر که بوموله خوش طبع و قدر شناس
 محذوک کاشکی غری در از اولوب مدت عمر لرزده افتاب
 حسن و جالی کوف و زوالدن محفوظ اولایدی دیو لطیفه ایدو

کورده ارباب عشق بر کنه داری
 دخی و خوشه بدو زدن کنش از اولوب اولون
 نعال فخر نده و کفر در بار لری وار اولوی
 بی دارم که اگر کل انسل بیان دارد
 چهار عشرت شکی بخون از خوان دارد
 غبار خاوش بند و نشد اخی ببار
 جنت مود و نش و خط جادوان دارد

اینستند حکایت بدو بدو بر زمانه که غشون شب بایستی در
 شوق و تاب سنگامی رباب عفا که و اهل دل بر این معاشرت
 خالی اولماز ابدی اول عصر که مناز و سر مد لرزدن جاودن احمد و مکیه
 بر جوان معقول قسم دخی شمع مجلس و فوغ بزم اسپر اولوب
 صحبتزدن جدا کل ابدی کردش روزگار ایله اول یکلخدا رک صفت
 رخسارند و خط غیاث کبار اشکار اولوب بنفشه بروق کل
 زمانه رنگ کرداده نوبهار مرصدا قنچه بر یوزدن دخی لطافت
 ایدوب اگر چه عاقل نظر نده هر حال انورینه ذره قدر کدر کلدی قانا ابر
 صور خطی کلک ابدی خطی کلک تو مندن سرینه مرات ضمیر عده
 انکار و صحیفه شیرینند از غبار بوق کل ابدی اتفاقا بر کن
 انامی مصاحبه و جوانک عواضندن بخت اولونوب جلایان
 شانس اندیر و بدیدر که بوموله خوش طبع و قدر شناس
 محذوک کاشکی غری در از اولوب مدت عمر لرزده افتاب
 حسن و جالی کوف و زوالدن محفوظ اولایدی دیو لطیفه ایدو

دستور کرم شیر مخم نظام العالم ناطم مناظم الامم مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب متمم الامم
 بالرای الصائب متمدن بنیان الدوله والابلال مشید ارکان السعاده والاقبال المحفوظ المصروف
 عواطف لطایف الملک الاعلی مفرح حافظه اولان وزیرم خیر پیشا ادام الله جلاله
 واقفی قضات المسلمین اول و لایة الموحدين معدن الفضل والیقین حجة الحق علی الخلق اجمعین وارث
 علوم الانبیاء والمرسلین المختص من ید عنایت الملک القدیر مولانا مفرح قاضی یدیت فضایل و توفیق
 رفیع سماویون والصل والحق معلوم اولما که مقتدا جناب ملائت آب و فلاقت نصایم عب
 طفر اعتیاد و حیوش انصرت اعتنا و بعون الله الملک القدیر قول بدفعا لک اقبات عدن و قلما
 و مشا سر ممالک و بقاعدن اکر می قلعه سن بنایم و لمحا متدن نیچه قلعه ابرایله فتح و تسخیر و طابو
 مقهور لرزده اولان ملاعین بی دیک نیچه سی گرفتار و اسیر و نیچه سی طعمه شمشیر و تیر اولوب
 اقبان ید مفرح سلطنته نزول و اجلال اولوند قدر لشکر کفار فجار کبر و عناد و استکبار لرزده اضر کلک
 ملاعین مریور یک کرکی کبی کوشمال و تاویبی و بقیه ممالک کیمت مسالک یک غارت و تخریب خون
 بالفعل وزیر اعظم اولان دستور کرم شیر مخم نظام العالم مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب
 المختص من ید عنایت الملک القدیر بر ابراهیم پیشا ادام الله جلاله و زاد اقباله بی سینه
 نجا کر نصرت ما شاره سرور و سپه سالار ید و بخت حیثه عدو احصا جنود طفر نمود ایدو سرحد
 ارسال اولوند قد مشا الیه سرورم ادام الله جلاله و اخی جلیتند مروز و طبعیتند مروز
 اولان غیرت و جیت و شجاعت و شجاعت متفکاسنجه قول بدفعا لک اولو از نام قلوز
 طابور نه و از نیچه واقع نیچه و ملک ممالکن با مال خول غزات طفر شمار و نیچه یک ملاعین یکم شمشیر
 انشبار و ایل عیال لکین اذغال قیود ذل و انار اولوند و غنندن با عدو بس نه حکمته المیمینه
 دخی قول نخوست مالک غارت درجه ده حصین و خاست مرتبه ده حصین و لان تاثیر
 هم خصار استواری که انجند مختص اولان شاهر کفار سبیل فدا و شکاری ایله راه اهل ملک

و دست نهدی و تها و تلهی آینه و در نه بی مرور و عبور دن منع و حد ایکنه معاد و شش مفرع
مفرعنا اهل فساد و لغو غایت بی غایت الهی به توکل و روح پاک حضرت رسالت پناهی به توکل
ایدوب اول قوم مردود کسب خود مضرت آلودین قلع و قمع چون اول جانب غایت ایوب قلع
سکوار دن اول ایکی منزله واقع مسانت و حصانت ایله استعمار بولان بو بوغچه با حصا
نامدی می محاصره ایدوب ایچنه تخصص ایدن کفار بد کردار هزاران شب کارزار اولان غزات
فتح آثار کجکال کمالن دن خلاصه مجال یوق اید و کین ملاحظه اید کفرند و نیچه کونر محاصره ایست و تخریب
عسیر کین قلب بر هر اسلری نه خوف و خشیت و رعیت و دشت مستولی و ملکه بر اسم مجر و
استیما و قلع مزبور ایست تسلیم اند کفر و فساد لازم محافظت احضار تعیین و حفظ و ذر تعیین
ایوب آندن داخلی قلعوب قلع قانیره نک آتینه قونوب اول مفرع اهل ضلال بر طرف دن مرکز
مثال احاصه ایوب و علی الفور مترسل قوروب قلع کوب و دشمن آشوب طویر اید مواضع عید
دو کوب و دو مکمل مباشرت ایدوب لکن قلع مزبور نک کله سی قلع کسک آسمانه پوست و
عمق خندقه عقول مسندان حیران و دست به جانب اربعه صول و محکم با فکر اولوب
عنده خبر بکسی واقع و بروج و بار و سی ضرب طویر یقلد و غی نقد برجه یور و تیشه نه اولمغیر
عساکر خشم شمار بال ضروری آغاچدن چیلر ایوب و مباحه او دن سوروب قلع نک طر فند
صولاری و با قلی طولد و روب قلع و زرنیه کو مثال حواله ایکنه کفره فحش به و هم و سرکس و
وین و سوکس خافش و لاش کین قرآل ضلالت مالک قلع مزبور نه آندن کتمه سن ممکن زول
استیعاب غلت مستقله ملاحظه انکین قلع قانیره و سایر نیچه قلعک خاکمی اولان
زین و غلی و نذازل و بیکانی و قریه سرک نام معلومری و مجار و نیچه کین بی
و مبالغه پیاده و سوار و یوز آلی دن زیاد و کچو پیرین و سایر آلات حرب اید قلع قانیره به
امداد و معاونت و عساکر فوز مطا لری به مباشرت چون تعیین و ارسال ایکنه
اولکت کیری سکرچی کونی ملاعین مزبورین دخی کرد و ده شیطا طین نبوه اید قلع مزبور و قریه

عساکر منصوره و نزول اید کوری خد شرف برده قونوب طابورین قوروب اطراف خندق کوب
و جایی طر اقدن و آغاچدن بو کسک قلع لایوب و زرنیه طویر حصار و ب قلع محاصره اید غزات
ظفرحات و فتح آیات و زرنیه آغاچه باشم قلع و محصور اولان اهل مجر بکین قوت قلع حاصل
المشکن مشار الیه سردار سار و سیر عسکر مجاهدین اعدای دیک کثرته و دفرته با قیوب سرکایدان کاکان
می صر و دخی و اقدام و جد و اهتمام ایدوب و بر طرف دن طابورده اولان ملاعین و ذرخ مکین ایست
و معاند و صرف اقدام و اهتمام ایدوب تمام آتیه کون آتیه کجک و جدال و حرب قلع ایدوب
بعنایه آتیه تعالی سرکون عسکر تسلیمه فتح و نصرت و طایفه کثر کنیه پس و تربیت قیوب اولوب بدخی
... و الا و لکن شکی کونی عساکر ظفر تا تر طرف دن اول قوم شوم و دوم میثوم و زرنیه هجوم ایکنه اتفاق
ایست کوری ملاعینک معلومری اولمغیر پای اقدامی مستلزم بنای شایسته متخلف اولوب طویرین
بار و ترین و جبهه غایب لیرین و ذخیره لیرین من کل الوجوه براغوب من بخار شب فخر برج مقتضای
افغان و خیران و ادی انکسار کرد و گرازان کبی گریزان اولد قلع غزات نیکام و طر انجام
عقبزدن ایشوب نیچه یک عساکر کسب با تری قلعیدن کعبه و ب نیچه یک دخی دیری کافوی الکون
و نیچه یک لعینی دخی با قلع و وصول و غرق ایدوب طابور لرنه بولان طویری و غیری و کچو
الکوب حمایه فیه و قبض و لنوب سیرکس باب آتیه تلهی اید غزات سلام غنم ایدوب قلع اولان
کفا ضلالت مد اطابور لرنیک منضم و مقهور اولد و غدن خبردار و خبر بدن امداد و معاونت
ماتوسل کین بر قاج کون دخی عمار لرنه ایدوب آغلا عساکر ظفر قورودن بون و ایست
ایستری سکرکون اولوب قلع مزبور مانی ایست تسلیم ایدوب اهل و غیا تلهی خلاص اولوب کند و کچو
قلع مزبور ایچنه اولان معابد اصنام ساجد اهل اسلام اولوب کفایت قدری براق و یارب و
مقات قونوب اطراف خندق اولان قلع و بنقه لردن دخی کیری دورست بار قلع و بنقه لردن
ضبط و استحکامی تاراک اولد و فساد کسک سردار عالی مقدار عساکر اسلامه لیرن غنم بخواد طویری خود
ایست و کندن عدا میخال بد فعل حدی فعال نیچه سالدن برو فلاح وارد و بعدن طر فزیه کمال اخیال و برده

سکه بیک سکه
 خید قربان ته عالم بوقدر آند کن
 سکه قربان اولمه دوزیر بر من
 رشت فردوس اینه بر عم اگر او
 غس که در درسی می کلف من
 طولد ای می کبک لیس کاه من
 قلدی عید رو در دین و ملک
 نامر حکم کن ایه جام می کبک
 صوفی بد نامه اولد رایج دیوار من
 سکه برادنا قول اولما غیبه می
 قدر مردوں اوسوب عالی مار لوی نامر
 گفته کوکب طوامی و خست اولمدر
 غری صبر که رسال اولم اعرامر

رشتند فردوس بنیاد نواری
 و میدر نرم صفاد و چکیده
 لاله لاله لاله و دوزخ کالی
 صورت صحن کو در بنو چهره بکند
 روز عید ابرو دکنی طوبی طوبی
 عالمه و رحمد اول تیرای نامی
 فان محمد شمس عاقل که زمان عدل

عید نوروز کجی اندی جهانی رین
 بنغ و رانغ اوله نوله غیرت و دین
 زبور کور از مار یکه شانه صنع
 بزم کلشنده می زاله ایله رس
 می چوب کسب صفا ایچک در
 صانعو عاونه کینیده سبک لر
 عالمی عید بجا ایلدی خندان حکمی
 کایناتی ته کم عدل شه روی این
 شاه جم کو کبه سلطان محمد خان کم
 شاهکرتسم سمنده نینه ایدر وضع چین

از این مثنوی

اول سیم و یزد خیرت کار خیرت
قبل بر نظر و رسم اگر یک زاید ز بر
ز یک سیم و یزد خیرت کار خیرت
بن بکنه عالم بدل پر دله جان مختصر
خاک اوله تی تی یزد خیرت کار خیرت
دو سیم و یزد خیرت کار خیرت
شدن کرد و سون سون سون سون
کمون تو قوم عد و سون سون سون
چتر دوی یزد خیرت کار خیرت
طری و بر م سون سون سون سون
ایدن بول و سون سون سون سون
بیر عطا کان سون سون سون سون
شاه ملک بون سون سون سون سون
قدار و ن سون سون سون سون
صاحب کرم عالم سون سون سون سون
کاری عمل بدی سون سون سون سون
والا سون سون سون سون سون
با سون سون سون سون سون
نیز و سون سون سون سون سون
کم ایچیه می کوش سون سون سون سون

از این مثنوی

بجسم و حد یک جان اول
با لعل کله قدر تن با بالا
یا سون سون سون سون سون
سنبل با جان با طر طر جان
بمسور روح با خود سون سون سون
لوح معنی و با خود سون سون سون
نور و زرد نون با خود سون سون سون
قانع لعل کله کله کله کله
غیر سون سون سون سون سون
کله سون سون سون سون سون
خاله سون سون سون سون سون
ضیحه سون سون سون سون سون
لعل لعل کله کله کله کله
میسو سون سون سون سون سون

بجسم و حد یک جان اول
با لعل کله قدر تن با بالا
یا سون سون سون سون سون
سنبل با جان با طر طر جان
بمسور روح با خود سون سون سون
لوح معنی و با خود سون سون سون
نور و زرد نون با خود سون سون سون
قانع لعل کله کله کله کله
غیر سون سون سون سون سون
کله سون سون سون سون سون
خاله سون سون سون سون سون
ضیحه سون سون سون سون سون
لعل لعل کله کله کله کله
میسو سون سون سون سون سون

بجسم و حد یک جان اول
با لعل کله قدر تن با بالا
یا سون سون سون سون سون
سنبل با جان با طر طر جان
بمسور روح با خود سون سون سون
لوح معنی و با خود سون سون سون
نور و زرد نون با خود سون سون سون
قانع لعل کله کله کله کله
غیر سون سون سون سون سون
کله سون سون سون سون سون
خاله سون سون سون سون سون
ضیحه سون سون سون سون سون
لعل لعل کله کله کله کله
میسو سون سون سون سون سون

بجسم و حد یک جان اول
با لعل کله قدر تن با بالا
یا سون سون سون سون سون
سنبل با جان با طر طر جان
بمسور روح با خود سون سون سون
لوح معنی و با خود سون سون سون
نور و زرد نون با خود سون سون سون
قانع لعل کله کله کله کله
غیر سون سون سون سون سون
کله سون سون سون سون سون
خاله سون سون سون سون سون
ضیحه سون سون سون سون سون
لعل لعل کله کله کله کله
میسو سون سون سون سون سون

اول نذر کم حسن در وجهی کور به احیا اولور دی نمودن اوله ایضا درین سر اول
اتاقیت اناسی احیا دن جزا انانی اکلده اوله چون طوغاوغلی اکلده نشاید
بولی سر کم بلور منقب آور کرک اعلا کرکه اولمادن

چو کوهی ز کوهی استیز کشد
موسی با موسی در جگه کشد
چون بهی ز کوهی رسی گاه داشتی
موسی و فرعون در انداختی
کز ترا آید برین بکت سول
رنگ کی غالی بود از قیل و قال
روی خوابان ز آینه زیاده بود
روی حسن از کد اید شد
پس که ایان اینچه بود حق
و آنکه باقی اند جو و مصلحت
دفر صوفی سواد حرفت
خود را غیب همچون برت
زاد و نشند آثار مسلم
زاد صوفی هست نافر دم
ای برادر تو همان اندیشه
ما بقی تو استخوان در شه
گر گفت اندیشه تو کشتنی
در بود غاری تو نیمه کلختنی
ز آنکه من اندیشه که گشته ام
خارج اندیشه پویشان گشته ام
چه عالم سحره اندیشه اند
زان سبب خسته دل و غم نشیده اند

گفت عجب که عینای نام

لا ینام قلبی عن رب الانام

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, written in dark ink on aged paper.

اوله ای خواند و یاد آید که خدای تعالی

بند کمر شمشاد رکان و
ایده بخا منتقل بر او من

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
سبحن الله ملاء الميران ونبته العلم ونبته الرضا وزنه الكون
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من خلقك
كناياتك كنهاتك كنهاتك كنهاتك كنهاتك
الا بانه العلي العظيم وعلى الله توكيدنا
والله وحده اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم
سبحن الله ملاء الميران ونبته العلم ونبته الرضا وزنه الكون
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من خلقك
كناياتك كنهاتك كنهاتك كنهاتك كنهاتك
الا بانه العلي العظيم وعلى الله توكيدنا
والله وحده اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم
سبحن الله ملاء الميران ونبته العلم ونبته الرضا وزنه الكون
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من خلقك
كناياتك كنهاتك كنهاتك كنهاتك كنهاتك
الا بانه العلي العظيم وعلى الله توكيدنا
والله وحده اجمعين

بر سر فرشته شمس برتری
بر نارنج فوت او آدم
فستم و خبر مغیر گفتیم
انور الله مرقد گفتیم

نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی

در افا آذری شبنم زمانه
چو امانند خسرو بود ارشاد
که خوشبختی نهان گشت لی بو
از ان نارنج فوت گشت خسرو

نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی

نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی

نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی
نارنج وفات شیخ سعدی

تیور کو رکھ کر جو رخ را د از خون
 از خون غد و روی زمین کلک گرد
 در شتم شعبان بوی غلیظ تر
 فی الحال از فغان سپهر بر کن

سنگ نمانش و با به
درست این با نقاره
از جبهه فاش کردم
نشان

فایده موعظه نهمین

معاذی میسر آن که بکشت
که مرکب و اطاعت با شیر
زین منت ده آن خوشم
بر و شرجی که با حد و اندرست
اگر از سال با غش برسد
بکوشه معاذی میسر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

حق بود چنگیز بسکه اندول کرد
 شدی ویران ابدی سرواظم
 عقل ناقص نشید که یاکم و لید
 اهل قلع عقد شدی بر جود غور
 مر شمشیر و الا آن خط هم بونامد
 مباد و نوند کمی دای شاپا بود بر
 اهل شری ابدی بر حلقه زیر و زبر
 پنه مقصد بس جال جهان کن خیر
 پادشاه خشم خمدن چون از حسن حد
 ویرم آتشین عالم آینه که دنیا بفر

بوده عالم پیدا و مگر سوره اشقی جهان

خلفه نعت كلدر خفقت اتمه كك الدن كك

فتح کام او تنجیب خاطر بی برکورد
 اهل اسلام باطن کافران یک
 خونه رزم بجز بقادر و کون اغر
 خیلی بی ایستد قانون دولت سنی
 بر نزارک او را بیه کنده ملکیت
 شکو زوار الا ان و لان کافان
 ارتش برده مالی جمیع التون این

بورغزون کلدی بانه اچی صوفی شور
 ای ندر انا سر سز شوت اکت و
 وادی شترده سبز جام معن ذوق
 ای مدبر لاکت باری قولا غیبی برب
 اعناد اشر سکر اطراف عالم کت
 بوبله ولسه بر اکی کون داخلی شکر
 الذین کثیرون آیتین سکورد برک

خان غازی صدقہ بنو نظمی زرقب اکبر
کریمان سوز سولہ اسی صوفیوں کو

[illegible]

و ان سید عالم امیر مومنان حسین
 شد از سر جفا فی بندار غدا محمد

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فافان منبر سو اک سو اک
 سو کان غیر کہ سو اک قند
 یافت منی یار اک اک
 حریف طالع سو اک اسحاق الی

باقی قدسی
فرقه اول
خاک بوم
نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت

دوباره
نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت

نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت

نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت

نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت

نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت
نمده یسندان
جمله شده در خدمت